

## پیروزی بزرگ نیروهای مسلح انقلاب بر تجاوزگران

☆ این پیروزی نشان پایداری و مقاومت شجاعانه  
خلق ما در برابر جبهه براندازی به سرکردگی امریکا است  
در صفحه ۲

### پشتیبانی ما از انقلاب پایدار است

☆ سازمان ما بار دیگر نسبت به  
حذف نامزدهای خود و حزب توده  
ایران از لیست نامزدهای نمایندگی  
تهران قویا اعتراض دارد و آن را  
اقدامی می‌شناسد که مصالح انقلاب  
را نادیده می‌گیرد و مهمتر آن که به  
اتحاد نیروهای مدافع انقلاب زیان  
می‌رساند.

تورنا جوانمردانه حجت‌الاسلام هاشمی نژاد  
نماینده امام در مشهد را شدیداً محکوم میکنیم

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ضمن اعلام  
انزجار نسبت به این عمل ناجوانمردانه تروریستی شهادت  
حجت‌الاسلام هاشمی نژاد را به مردم قهرمان و مبارز میهن  
به‌ویژه هم‌میهنان زحمتکش خراسانی و به حضور امام  
خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی تسلیت  
می‌گوید.

اعلامیه مشترک  
حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
برای ریاست جمهوری اسلامی ایران  
به حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای  
رأی می‌دهیم

در صفحه ۲

### جبهه براندازی به سرکردگی امپریالیسم امریکا بر طبل جنگ می‌کوبد

در صفحه ۵

□ امپریالیسم امریکا خیال کرده است با سرازیر کردن سیل اسلحه مدرن به  
کشورهای ارتجاعی منطقه و حمایت از دولت‌های سرسپرده این کشورها، با  
پشتیبانی از تجاوز نظامی جنایتکارانه رژیم صدام و تشدید فشارهای سیاسی و  
اقتصادی و فعالیت توطئه‌گرانه و تروریستی و ایجاد جو بی‌ثباتی و ناامنی قادر  
است انقلاب ایران را درهم شکند. لاکن این خیال خام بر باد خواهد رفت.

### دست‌های پینه بسته دهقانان سند مالکیت آنهاست

■ مجلس باید با برطرف کردن ابهامات لایحه پیشنهادی وزارت کشاورزی و  
تصویب بلادرنگ آن از حیثیت و اعتبار مردمی خود دفاع کرده و اثبات کند که  
از منافع دهقانان محروم دفاع می‌کند و با منافع غارتگرانه فئودال‌ها، خوانین  
و مالکان بزرگ سرسازش ندارد.

در صفحه ۱۷

### راه را بر نفوذ اسلام امریکایی ببندید

## متحد شوید!

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را درهم کوبید

## پشتیبانی ما از انقلاب پایدار است

\* سازمان ما بار دیگر نسبت به حذف نامزدهای خود و حزب توده ایران از لیست نامزدهای نمایندگی تهران قویا اعتراض دارد و آن را اقدامی می‌شناسد که مصالح انقلاب را نادیده می‌گیرد و مهم‌تر آن که به اتحاد نیروهای مدافع انقلاب زیان می‌رساند.

در این دوره از انتخابات میان دوره‌ای مجلس نیز بر اساس نظریه شورای نگهبان نامزدهای سازمان ما و حزب توده ایران از لیست نامزدهای نمایندگی تهران حذف شدند. ما و حزب توده ایران بر اساس مشی اصولی و انقلابی خود نامزدهای خود را برای نمایندگی مجلس به فرمانداری تهران معرفی کرده بودیم.

اعتراض نسبت به حذف نامزدهای نمایندگی ما و حزب توده ایران تنها از این جهت نیست که این حذف اقدامی مغایر روح قانون اساسی است، این اعتراض در عین حال متوجه تأثیری است که اقداماتی از این دست در تخریب اتحاد نیروهای مردمی و انقلابی در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی در برابر تجاوزات و توطئه‌های جبهه براندازی به سرکردگی آمریکا برجای می‌گذارد.

تجربه نزدیک به سه سالی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد گواه آن است که جمهوری اسلامی ایران علیرغم

کام‌های مثبتی که در شناخت دوست و دشمن به پیش برداشته است، همچنان در این زمینه دستخوش انحرافات حیاتی است. این انحراف سرچشمه آن ناتوانی بزرگی است که انقلاب را از مجموعه امکاناتی که می‌تواند از آن برخوردار باشد محروم می‌سازد، به گسترش پایه‌های مردمی جمهوری زبان رسانده و در عمل به جبهه براندازی به سرکردگی آمریکا یاری می‌رساند.

هنر رهبری یک انقلاب در آن است که هر روز بیش از خود می‌افزاید، نیروهای بیشتری گرد می‌آورد و خود را توانمندتر می‌کند. انقلاب بجای امپریالیسم

### اعلامیه مشترک

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

## برای ریاست جمهوری اسلامی ایران به حجت الاسلام سید علی خامنه‌ای

### رای می‌دهیم

هم‌میهنان گرامی!

در انبوه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، توطئه قتل محمدعلی رجایی رئیس‌جمهور شهید، تیر زهرآگین دیگری بود که به سوی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران رها شد. ولی این تیر زهرآگین با آنکه ضایعه بزرگی ببار آورد، نتوانست به هدف اصلی خود برسد. مردم قهرمان و انقلابی ایران که با شرکت وسیع و یکپارچه خویش در انتخابات دومین رئیس‌جمهور اسلامی، یکی از خطرناک‌ترین توطئه‌های آمریکا را، که توسط باند بنی‌صدر به مرحله اجرا درآمده بود، عقیم گذارده بودند، مصمم‌تر و استوارتر و متحدتر به دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برخاستند.

هم‌میهنان گرامی!

اینکه که انقلاب و جمهوری اسلامی ایران همچنان با توطئه‌های گوناگون امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش روبروست، سومین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران انجام می‌گیرد.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با توجه به سوابق برجسته مبارزاتی حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای، وفاداری ایشان به خط ضدامپریالیستی و مردمی اسام‌خمینسی و استواری ایشان در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، و همچنین با توجه به پشتیبانی یکپارچه پیروان صدیق خط امام از نامزدی ایشان برای ریاست‌جمهوری اسلامی ایران، همه‌اعضاء و هواداران خود و همه‌میهن‌دوستان و نیروهای انقلابی را فرامی‌خواند که با شرکت هرچه وسیع‌تر در انتخابات ریاست‌جمهوری و با دادن رای یکپارچه به حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای، بار دیگر به همه جهانیان نشان دهند که مردم قهرمان و انقلابی ایران در مبارزه بر ضدامپریالیسم و ارتجاع جهانی و منطقه‌ای و ضدانقلاب داخلی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، مانند همیشه، استوار و پایدار و متحدند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دهم مهر ماه ۱۳۶۰

در انتخابات فرا می‌خوانند و علیرغم رهنمود وحدت‌طلبانه امام تلاش می‌کند صدیق‌ترین و بیگترین نیروهای مدافع انقلاب را از شرکت فعالانه در انتخابات محروم سازد به‌طور فعال و هم‌جانبه در انتخابات شرکت می‌کنیم و همه نیروهای مردمی و ترقی‌خواه را به شرکت هرچه گسترده‌تر در انتخابات فرا می‌خوانیم.

میرم خود می‌دانیم که در راه اتحاد همه نیروهای مردمی و تحکیم وحدت صفوف خلق مجدانه بکوشیم و جبهه انقلاب را در مبارزه علیه جبهه براندازی سرکردگی آمریکای جنایتکار توانا تر و قدرتمندتر سازیم. به همین دلیل است که علیرغم چنین تضییقاتی که برخلاف رهنمود امام خمینی است که همه گروه‌ها، از "هرمسک و مرا می" را به شرکت فعال

انقلاب را نادیده می‌گیرد و مهم‌تر آن که به اتحاد نیروهای مدافع انقلاب زبان می‌رساند. پشتیبانی ما از انقلاب و جمهوری اسلامی، پشتیبانی پایدار و بی‌شائبه است، بدون تردید اقدامات زیانباری از این دست در اراده ما مبنی بر دفاع از انقلاب و دست‌آوردهای آن در برابر توطئه‌ها و تهدیدات جبهه براندازی به سرکردگی آمریکا، خللی وارد نمی‌سازد. ما وظیفه

## پیروزی بزرگ نیروهای مسلح انقلاب بر تجاوزگران

سحرگاه روز پنجم مهرماه، رزمندگان مسلح انقلاب مرکب از ارتش، پاسداران انقلاب، نیروی هوایی، اندازه‌ری، هوانیروز و سایر نیروهای بسیج برای سه‌های جنگ مقاومت در طی یک عملیات قهرمانانه که در جبهه‌های به وسعت ۱۲ کیلومتر انجام گرفت لشکر متجاوز مستقر در شرق رود سین را متلاشی و محاصره، سپس قهرمان آبادان را پس از یک سال مقاومت حماسه‌بار و شگوه‌انگیز، به‌طور کامل درهم شکستند.

بر اثر این بزرگ‌ترین پیروزی نظامی در طول یک سال جنگ مقاومت، جاده آبادان - ماهشهر به‌طور کامل در اختیار مدافعان قهرمان ما قرار گرفت و از آن مهم‌تر، جاده استراتژیک آبادان - اهواز از دشمن متجاوز بازپس گرفته شد.

در پایان ظفرمند این نبرد سنگین ۱۴ ساعته که از ساعت یک بامداد شروع شده بود، صدها نفر از افراد فریب‌خورده صدام جنایتکار کشته یا زخمی و نزدیک به ۱۵۰۰ نفر از آنان به‌دست مدافعان جانباز ما اسیر شدند. مجموع تجهیزات و ادوات جنگی دشمن که در جریان این عملیات شگوه‌آفرین در اختیار نیروهای قهرمان ما قرار گرفت، برطبق آخرین اطلاعاتی ستاد مشترک، غیرقابل شمارش و تاکنون بی‌نظیر بوده است.

پیروزی نظامی روز پنجم مهرماه را، بی‌تردید باید بزرگ‌ترین پیروزی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در طول یک‌سال مقاومت نامید. زیرا، این تهاجم ظفرمند حلقه‌های را شکسته است که ارتش متجاوز عراق، بیشترین نیرو و استعداد نظامی خود را متوجه حفظ این حلقه کرده بود.

این پیروزی پیش از هرچیز ثمره یک‌سال پایداری و فداکاری نیروهای مسلح انقلاب در برابر تجاوز صدام و بویژه در حفظ آبادان قهرمان بود. در طول یک سال دفاع قهرمانانه و

ایثارگرایانه، مدام روحیه ارتش متجاوز فرو کاست و عزم رزمندگان در دفاع از شهر را سخته‌تر گردید و سرانجام بر اثر تداوم این ایستادگی حماسه‌آفرینانه جبهه آبادان با پیروزی شگوه‌مند خود، درخت پایداری را به بار نشاندند. این رزمندگان مہین‌پرست با یورش پیروزمندانه‌شان به دشمن متجاوز، لب‌های قهرمانان شهید شهر مقاومت را به خنده گشودند و به عهدی که با آنان بسته بودند، پایمردانه عمل کردند. این پیروزی غرورآفرین، اهمیت سترگ اقدام مدافعان شهر قهرمان و حماسه آبادان، در طول یک‌سال دفاع پرشور را دیگر بار در معرض دید جهانیان قرار داد و محصول این تلاش‌آفرینان را بر همگان عیان ساخت.

پیروزی در جبهه آبادان، همچنین پیروزی خط وحدت و هماهنگی نیروهای مسلح انقلاب در جنگ با تجاوزگران آمریکائی - صدامی را بر خط ضدانقلابی تفرقه و جدائی رزمندگان جبهه نشان داد. هماهنگی و وحدت عمل پیروزی آفرین ارتش جمهوری با پاسداران انقلاب و دیگر نیروهای مدافع جبهه‌های جنگ، که پس از عزل بنی‌صدر خائن از مقام حساس فرماندهی کل قوا به‌روز استحکام بیشتری به خود می‌گیرد، نشان داد که خط آمریکائی بنی‌صدر چه ضربات سنگینی بر روند دفاع از انقلاب و تحکیم آن در یکی از عرصه‌های اصلی آن یعنی جنگ مقاومت علیه تجاوزگران صدامی، وارد آورده است. تصادفی نیست که درست از روزی که بنی‌صدر خائن از فرماندهی کل قوا برکنار و سیاست خائنانه تفرقه و گسترش بدبینی بین نیروهای مسلح جمهوری، سنگ‌اندازی در روند هماهنگی بین آنان و نتیجتاً جلوگیری از پیشرفت ظفرمند جنگ مقاومت علیه صدام متجاوز، جای خود را به سیاست تفاهم، همکاری انقلابی و هماهنگی رزمی

در بین ارتش و سپاه داد، توازن قوا در جبهه‌ها دایما به سود نیروهای مدافع مہین انقلابی و به ضرر صدام متجاوز به‌هم خورد و روز به روز نیز بیشتر به‌هم می‌خورد. پیروزی‌های سه ماهه گذشته و بالاخره بزرگ‌ترین پیروزی در طول یک سال جنگ تحمیلی یعنی در هم شکستن کامل محاصره آبادان قهرمان، همه و همه به بارزترین وجه این حقیقت را به اثبات رساند که هماهنگی بین نیروهای مسلح انقلاب و در نتیجه استفاده از همه توان و ظرفیت رزمی آنان جزو شروط پایه برای بیرون راندن متجاوزین خاک مہین انقلابی و رسیدن به صلحی شرافتمندانه است. پیروزی اخیر به همان اندازه که پیروزی نیروهای انقلاب و خط وحدت بین این نیروهاست، درست به همان میزان، شکست خط آمریکا و متحدین داخلی آنان نیز است.

درواقع، هنگامی که آمریکا و صدام و متحدین داخلی آنان در همان روزهای نخستین دریافتند که جنگ تحمیلی از رسیدن به نتایج به اصطلاح پیش‌بینی شده باز مانده است، همه تلاش خود را بر این قرار دادند تا از طریق تضعیف رزمی نیروهای مسلح جمهوری و دیگر توطئه‌ها، جنگ را به درازا کشیده و آن‌را به یک جنگ فرسایشی علیه انقلاب ما تبدیل نمایند.

تفرقه انگیزی بین نیروهای مسلح، ایجاد آشوب در پشت جبهه برای فرعی جلوه دادن مسئله جنگ و عملاً مشغول کردن بخشی از مدافعان مسلح جبهه‌ها در شهرها در زمره مجموعه توطئه‌گری‌هایی بود که جبهه براندازی به سرکردگی آمریکائی جنایتکار، در این مدت به کار گرفت. درست به همان‌گونه که نقش بنی‌صدر در رابطه با اجرای این تاکتیک‌ها، نشان داد که خیانت عظیم او در حق انقلاب چه میزان بوده و وجود او در مقام فرماندهی کل قوا، منتهلاً چه خسارات

جانی و مالی عظیم بر مہین انقلابی بوده است، به همان‌گونه هم نتایج انقلابی ناشی از عزل بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا و متعاقب آن اقدام انقلابی توده‌های به‌پاخاسته و آگاه مردم‌مان مبنی بر بازپس گرفتن مقام ریاست جمهوری از دست خط آمریکائی بنی‌صدر، نشان داد که انقلاب ما چه مانع بزرگی را از پیش پای خود برداشته است.

پیروزی اخیر مدافعان قهرمان آبادان را باید پیروزی خط انقلاب بر خط سازش‌به حساب آورد.

اما امروز، اجرای تاکتیک آمریکائی آشوب در پشت جبهه مستقیماً برعهده باند جنایتکار رجوی - خیابانی قرار گرفته است! آیا درست در روزی که رزمندگان حماسه‌آفرین و هزاران قهرمان بی‌نام و نشان برای بیرون راندن قوای متجاوز صدام از مہین، همه هستی خود را بی‌دریغ در اختیار انقلاب می‌گذارند، اوج خیانت‌پیشگی رجوی و شرکا نیست که از هواداران خود می‌خواهند در شهرها به تظاهرات مسلحانه دست زنند و همان پاسداری را بکشند که می‌بایست در جبهه‌ها می‌بود تا که تیری بیشتر بر شینه تجاوزگران صدام می‌نکند؟! یا هنگامی که رزمندگان مسلح انقلاب، در مآرد آبادان و روی کارون پل‌ها را تسخیر می‌کنند تا دشمن متجاوز را از آن بیرون برانند، کمال دنائت و مہین فروشی این باند خیانت‌پیشه نیست که به میلیشیای خود دستور اشغال پل خیابان حافظ را به‌مدت چند دقیقه در تهران می‌دهند تا در عرض همین چند دقیقه خون دها پاسدار و رهگذر عادی را بر زمین بریزند و خود نیز در همان‌جا و چند ساعت یا چند روز بعد، تیرباران کردند؟! آیا مردم ایران حق ندارند که فکر کنند رجوی خیانتکار از شکست صدام و از پیروزی انقلاب بر دشمن متجاوز واقعا ناراحت هست و نتیجتاً

هم برای جلوگیری از پیروزی قوای مسلح انقلاب در جبهه‌های جنگ تحمیلی، حاضر به هر جنایتی در پشت جبهه‌هاست؟ آیا تقارن زمانی عملیات نظامی مهم نهم شهریورماه با بمب‌گذاری توسط خائن جنایتکاری چون کشمیری در نخست‌وزیری که بی‌شک به‌خاطر تصدی موقعیت بسیار حساس امنیتی در نخست‌وزیری از همه مسائل و تصمیمات منجمله تصمیم به حمله به نیروهای متجاوز از طرف رزمندگان جبهه‌های غرب و جنوب در روز نهم شهریورماه اطلاع داشت، این سؤال را پیش نمی‌کند که حداقل یکی از احتمالات در مورد انتخاب این لحظه، ناچیز جلوه‌دادن این پیروزی در اذهان رزمندگان دز طول همه جبهه‌ها و نیز در اذهان مردم انقلابی ایران بوده است؟! در هر حال این حقیقت آشکاری است که بی‌سن عملکردهای خائنانه رجوی و شرکا با اعمال همه دشمنان انقلاب ما منجمله صدام جنایتکار، یک پیوند منطقی و ماهوی وجود دارد. و به همین دلیل هم است که می‌توان روند برخورد باند رجوی - خیابانی با امر جنگ مقاومت در طول یک سال و به‌ویژه محصول نهائی آن یعنی واقعتاً آفرین را، محک و ملاک ارزنده‌ای در سنجش میزان خیانت این باند خیانتکار نسبت به انقلاب و حتی نسبت به نیروهای ناآگاه این سازمان قرار داد!

پیروزی در جبهه آبادان، شکست همه نیروهای ضدانقلاب و توطئه‌گر، منجمله باند رجوی بود.

پیروزی بزرگ و غرورآفرین روز پنجم مهرماه، فقط پیروزی نیروهای مسلح قهرمان جبهه‌ها نیست، این پیروزی پیروزی همه نیروهای انقلاب است. پیروزی همه توده‌های فداکار

بقیه از صفحه ۳

### پیروزی بزرگ . . .

از آن برگرفت . به همین دلیل هم معتقدیم که بر مسئولین جمهوری اسلامی است تا در امتداد این پیروزی غرور انگیز که باید به پیروزی‌های دیگر بیانجامد ، با بهره‌گیری هرچه بیشتر از دستاوردهای این پیروزی ، امر هدایت جنگ مقاومت تا رسیدن به صلح شرافتمندانه را پیش برد .

بکار گرفتن همه امکانات چه در عرصه ملی و چه در سطح بین‌المللی یک نیاز حیاتی و مبرم در به پایان بردن موفقیت‌آمیز این جنگ تحمیلی و وصول به صلحی شرافتمندانه و منطبق بر مصالح و منافع دولت برادر است . در پیش گرفتن سیاست‌هایی که باید در داخل به وحدت و انسجام هرچه بیشتر همه نیروهای مدافع انقلاب بیانجامد و در خارج به برخورداری از یاری‌های بی‌دریغ همه کشورهایی که امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکای جنایتکار و نیز همه دول مرتجع در منطقه و جهان ، ایران انقلابی می‌دانند ، منجر گردد .

در چنین صورتی ، نه تنها پیروزی بر متجاوزان صدامی بطور قطع از آن ما خواهد بود ، بلکه حتی در مدت زمانی کوتاهتر ، مبین انقلابی‌مان از لوث تجاوز آمریکایی صدام پاک خواهد شد . این امید همه نیروهای انقلاب است و انتظار به‌جای آنان از جمهوری ، که این پیروزی موضعی ، گرچه بسیار مهم و راهگشا را با پیروزی‌های بزرگ‌تری که انقلاب می‌طلبد ، پاسخ دهد ، صمیمانه‌ترین دروهای خود را به همه حماسه‌آفرینان جبهه آبادان می‌فرستیم و با گرمی داشت مجدد یاد همه شهیدانی که قهرمانانه ایستادند و از دژ آبادان دفاع کردند تا این پیروزی شکوفا فرین را تدارک دیدند ، این پیروزی بزرگ و راهگشا را به رزمندگان قهرمان جبهه آبادان ، به عموم نیروهای مسلح جمهوری که در راه دفاع از استقلال مبین انقلابی خود پیکار می‌کنند و به رهبر انقلاب امام خمینی و همه مردم قهرمان میهنمان ایران شادباش می‌گوییم .

و مصمم میهنمان است که بیش از یک‌سال است که با پذیرش همه مصائب و مشقات ناشی از جنگ تحمیلی ، پایمردانه در برابر دشمن ایستاده‌اند . مردمی که بهترین فرزندان خود را روانه جبهه‌های جنگ تحمیلی می‌کنند تا از استقلال و آزادی میهن انقلابی خود دفاع نمایند . افتخار این پیروزی نصیب همه آن پدران و مادرانی است که جگرگوشه‌گان خود را آگاهانه به جبهه‌ها می‌فرستند تا از انقلاب و دست‌آوردهای آن پاسداری کنند . زنان جوانی که همسران خود را تقدیم انقلاب می‌نمایند تا توطئه آمریکایی - صدامی به مثابه جزئی از سلسله توطئه‌های جبهه براندازی به سرکردگی آمریکا ، ناکام بماند . و بالاخره پیروزی همه آن مردم زحمتکش شرافتمند که شب و روز در پشت جبهه‌ها کار می‌کنند و می‌کوشند تا نیازهای رزمندگان فداکار جبهه‌های مقاومت را تا مین نمایند .

آری ! این پیروزی همه مردم قهرمان ایران است که عزم جزم کرده‌اند تا از انقلاب و جمهوری خود دفاع کنند و تا از آزادی و استقلال خود شجاعانه به دفاع برخیزند و به صلحی شرافتمندانه نائل آیند . همه مردم ایران این پیروزی را از آن خود می‌دانند و به همین علت هم درست چند ساعت پیش از آنکه خبر این بزرگترین پیروزی سراسر میهن را درنوردید ، میلیونها چشم از شوق گریستند ، میلیونها دست همدیگر را به گرمی فشردند و همه به همدیگر صمیمانه تبریک گفتند . بانگ پیروزی " الله اکبر " این بار ، آهنگین تر و رساتر از هر بار دیگر در آسمان میهن طنین افکند .

فرزندان دلاور خلق با حماسه‌آفرینی در جبهه آبادان ، خلق را شادمان کردند و خلق سراسر خود را به گوش این رزمندگان ، این فرزندان راستین خود ، بازگرداند . و این خود ، نمایشگر لحظات شکوه یک انقلاب است .

بی‌شک ، دستاوردهای این بزرگترین پیروزی طول جنگ فراوان است و بی‌تردید باید که همه درس‌های لازم را

اعلامیه مشترک سازمان جوانان ترقیخواه ترکیه (ایگد) فدراسیون جوانان دمکرات عراق و سازمان جوانان توده ایران :

### تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران جزئی از توطئه امپریالیسم به سرکردگی امریکای جنایتکار ، برای براندازی انقلاب ایران است

در جهان امروز ، میان امپریالیسم و ارتجاع از یکسو و خلقهای جهان که برای صلح ، دمکراسی ، ترقی اجتماعی و سوسیالیسم می‌رزمند از سوی دیگر مبارزهای حاد در جریان است . امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم امریکا با تشدید تجاوزگری ، گسترش سلاح‌های مخرب و ایجاد مناطق تشنج و بحران ، صلح جهانی و بقای بشریت را مورد تهدید قرار می‌دهد . در چنین شرایطی ، جوانان ما همبستگی عمیق خود را با مبارزه کشورهای سوسیالیستی به‌ویژه اتحاد شوروی ، نیروهای مترقی کشورهای سرمایه‌داری و جنبش‌های رهایی‌بخش ملی در راه کاهش وخامت اوضاع بین‌المللی ، صلح و ترقی اجتماعی اعلام می‌دارند و دوش بدوش همه خلقهای صلح‌دوست برای شکست توطئه‌های امپریالیسم می‌جنگند . نسل ما نسل پیروزی‌های بزرگ خلقهاست . ما به همراه دیگر جوانان مترقی جهان که در فدراسیون جهانی جوانان دمکرات متحد شده‌اند ، حمایت قاطع خویش را از جوانان و خلقهای که علیه امپریالیسم می‌رزمند و عزم راسخ خود را برای مبارزه در راه صلح ، دمکراسی و ترقی اجتماعی اعلام می‌داریم .

منطقه ما - خاورمیانه - در این مبارزه جای مهمی دارد . امپریالیسم به‌منظور اعاده مواضع از دست‌رفته‌اش و تداوم سلطه و غارتگری ، سیاست تجاوزکارانه‌اش را در منطقه تشدید کرده‌است . طرح‌های خرابکارانه و جنایتکارانه امپریالیسم فکلس‌های مختلفی به خود می‌گیرد : توطئه کمپ‌دیوید ، حضور مستقیم نظامی در خلیج فارس و در پایگاه‌های ترکیه ، مصر ، سومالی ، عمان ، دیه‌گوگاریا ، عربستان سعودی و غیره - امپریالیسم در اجرای طرح‌های خود بر اسرائیل و دیگر نیروها و رژیم‌های ارتجاعی منطقه متکی است و می‌کوشد تا از طریق انعقاد پیمان‌های نظامی و سیاسی این طرح‌ها را به پیش برد . تجاوز رژیم عراق به جمهوری اسلامی ایران جزئی از توطئه امپریالیسم بسرکردگی امریکا برای براندازی انقلاب ایران است

جوانان ما همبستگی خود را با مردم و جوانان فلسطین بهره‌ری سازمان آزادیبخش فلسطین در مبارزه برای تعیین سرنوشت و استقرار دولت مستقل فلسطین با پیکار مردم و جوانان مبارز لبنان و با مبارزه مردم و جوانان کشورهای منطقه خلیج فارس اعلام می‌دارند . ما دستاوردهای جمهوری دمکراتیک خلق یم را می‌ستاییم . ما از تلاش‌های کشورهای جبهه پایداری در دفع تهاجمات امپریالیسم ، صهیونیسم و ارتجاع حمایت می‌کنیم . ما دستاوردهای مردم و جوانان افغانستان را می‌ستاییم . ما همبستگی خود را با مبارزات مردم و جوانان قبرس اعلام می‌کنیم .

دیکتاتوری نظامی حاکم بر ترکیه از ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۰ تاکنون ، سیاست سرکوب و ستم را بر مردم و نیروهای مترقی ترکیه اعمال می‌کند . دار و دسته نظامی هوادار امپریالیسم و انحصارات به بهانه مقابله با تروریسم "چپ" و فاشیسم لیه تیز تهاجمات خویش را علیه طبقه کارگر ، خلق کرد ، جوانان ترقیخواه و همه نیروهای دمکرات متوجه ساخته است . دستگیری‌های خودسرانه ، شکنجه ، محاکمه‌های غیر دمکراتیک ، سلب حقوق شهروندان ، ستم و تعقیب ، روز به روز گسترش می‌یابد ولی سازمان جوانان ترقیخواه ترکیه (ایگد) علیرغم این تهاجمات سبانه ، به مبارزه در راه تامین حقوق جوانان ، دمکراسی ، استقلال ملی ، صلح و ترقی ادامه می‌دهد . جوانان مترقی و دمکرات منطقه و جهان همبستگی خویش را با مبارزه دمکراتیک مردم و جوانان ترکیه افزایش می‌دهند .

انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران ، سرآغاز تحولات مهمی در کشور و منطقه و بنفع نیروهای مترقی گردید . مردم ایران با از خودگذشتگی‌های عظیم ، رژیم پهلوی را سرنگون کردند و به نقش آن بمثابه "اندارم امپریالیسم امریکا در منطقه" پایان دادند و بدینسان به جنبش‌های رهایی‌بخش منطقه یاری رسانیدند . امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم امریکا از بدو پیروزی انقلاب ایران تلاش برای براندازی آن را آغاز کرد و در این راه بدون وقفه به توطئه‌های نظامی ، اقتصادی و سیاسی علیه انقلاب ایران دست یازید . امپریالیسم به پیروی از شعار قدیمی امپریالیستی "تفرقه بینداز و حکومت کن" می‌کوشد تا صفوف متحد خلق را از هم بپاشد . ما ایمان داریم که مردم و جوانان ایران بر همه موانع پیروز خواهند شد و راه انقلابی خویش را ادامه خواهند داد .

مردم و جوانان عراق با تجاوزات ددمشانه فاشیستی علیه جان هزاران تن از بهترین پسران و دختران میهن مواجهند . مردم و جوانان عراق در راه آرمان‌های عادلانه خویش ، سرنگونی رژیم استبدادی تروریستی و استقرار یک دولت ائتلاف میهنی به منظور تامین دمکراسی برای عراق و خودمختاری برای کردستان عراق می‌رزمند . مردم و جوانان عراق به نبردی قهرمانانه و افتخارآفرین دست می‌زنند و از همه شکل‌های مبارزه از جمله مبارزه مسلحانه برای نیل بدین آرمان‌های انسانی بهره می‌جویند . اتحاد همه نیروهای میهن‌دوست ، ملی و دمکرات عراق ، سلاحی است قاطع در دست مردم عراق در مبارزه برای نیل به پیروزی قطعی . ما جوانان منطقه را به تشدید مبارزه برای تامین حقوق عادلانه خلقهای منطقه فرا می‌خوانیم .

زنده‌باد همبستگی جوانان و خلقهای ما

زنده‌باد همبستگی جهانی ضد امپریالیستی ، صلح و دوستی

سازمان جوانان ترقیخواه ترکیه (ایگد)  
فدراسیون جوانان دمکرات عراق  
سازمان جوانان توده ایران  
نیمه ژوئن ۱۹۸۱



# جبهه براندازی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بر طبل جنگ می کوبد. متحد شویم!

● مردم ما با هر مرام و عقیده‌ای که باشند با نیروی اتحاد خود و به پشتوانه دوستی تمام کشورهای جبهه جهانی ضد امپریالیستی جبهه دشمنان انقلاب بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را درهم می‌شکنند.

مرزهای ایران و ترکیه نیز دیدن کرده است. با سفر مارگارت تاچر به اسلام‌آباد و پیشنهاد پیوستن پاکستان به کشورهای مشترک المنافع و کمک نظامی انگلستان به این کشور، و نیز با کمک‌های مادی و فنی چین به کارشناسان اتمی پاکستان باید گفت امپریالیسم آمریکا در تسلیح پاکستان از کمک دوستان نزدیک خود برخوردار است. بدون تردید ۲۶ پایگاه نظامی و جاسوسی بزرگ آمریکا که در خاک ترکیه مستقر هستند، نقش مهمی در استفاده از نیروهای واکنش سریع ایفا خواهند کرد. در این مورد پای این دولت عضو ناتو تقریباً به طور حتم به هر درگیری نظامی بین آمریکا و یک کشور خاورمیانه کشیده خواهد شد. بخصوص استقرار یک ایستگاه از سیستم NADGE در خاک ترکیه باید به دقت مورد توجه قرار گیرد. این سیستم که از ۸۴ مرکز رادار در ۹ کشور تشکیل می‌شود، قادر است هواپیماهای بمب‌افکن را تا فاصله ۵۰۰ کیلومتری کشف کند و هواپیماهای خودی و غیرخودی را تشخیص دهد. اکتشافات این ایستگاه در ایام صلح از وضعیت ممالک همسایه ترکیه، به نیروی هوایی آمریکا و ناتو امکان می‌دهد که در یک شمشیر ناگهانی تجهیزات ممالک را که علیه آمریکا مبارزه می‌کنند از میان ببرد. همچنان که روزنامه سوری تشریح نوشته است، "نظامی‌گران آمریکایی زمانی که در مورد ضرورت ایجاد پایگاه‌های نظامی جدید صحبت می‌کنند، اغلب به افسانه "خطر شوروی" متوسل می‌شوند. هرچند با یک نگاه به نقشه خاورمیانه انسان متقاعد می‌شود که این تفنگ‌های آمریکایی است که به سوی رژیم‌های مترقی و ضد امپریالیست و مناطقی که در آن جنبش‌های آزادیبخش بقیه در صفحه ۷

عراق و افزایش به اصطلاح "خطر شوروی" ذکر شده است روزنامه نیویورک تایمز نوشته است هدف از فروش تسلیحات جدید، استفاده وسیع‌تر آمریکا از امکانات نیروهای مسلح سعودی و نیز کشیدن پای ریاض به معاهده کمپ‌دیوید است. بی‌شک نیست که این روزها شاهزاده فهد طرح ۱۲ ماهه‌ای عربستان را برای به رسمیت شناختن اسرائیل، به همه اربابان و هم‌قطاران خود عرضه می‌کند تا همراه با ملک‌حسین به سادات خائن در تحقق توطئه کمپ‌دیوید کمک کند. موافقت دولت ریگان با تحویل ۵ فروند هواپیما جاسوسی آواکس را نیز باید در همین ارتباط در نظر گرفت زیرا این هواپیماها توسط کارکنان آمریکایی سرویس می‌شود و در نتیجه پنتاگون از این طریق تمامی منطقه خاورمیانه به‌ویژه خلیج فارس و جنوب ایران را زیر نظر می‌گیرد و به این وسیله می‌تواند اسکادران دریایی در اقیانوس هند و هواپیماهایی را که از دیه‌گوگاریا و از پایگاه داروین در مرز استرالیا برمی‌خیزد هدایت کند. آمریکا در جستجوی ژاندارم‌های تازه از سوی دیگر و هم‌زمان با این برنامه‌ها، دلار و سلاح آمریکایی در پاکستان به کار افتاده است، تا نقشی که قبلاً شاه معدوم به عنوان ژاندارم منطقه اجرا می‌کرد به ژنرال آمریکایی ضیاء‌الحق منتقل شود. هم‌اکنون در پاکستان در نزدیکی مرزهای ایران و پاکستان چندین هزار مزدور برای اجرای هدف‌های امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه علیه انقلاب ایران و افغانستان تعلیم می‌بینند، طبق آخرین خبرها که روزنامه آمریکایی واشنگتن پست نیز خبر آن را درج کرده تیمسار آریانا در هفته گذشته از محل تعلیم مزدوران بازدید کرده است. طبق گزارش واشنگتن پست، آریانا از

خاورمیانه و منجمه خلیج فارس را آغاز کرده است. هزینه نهائی این برنامه به بیش از ۲۰۰۰ میلیون دلار خواهد رسید که از این مبلغ ۲۷۰ میلیون دلار امسال و ۴۷۲/۶ میلیون دلار در سال آینده خرج خواهد شد. در این برنامه ۱۰۶/۴ میلیون دلار به مدرنیزه کردن پایگاه راسیناس در سواحل دریای سرخ اختصاص داده شده است تا باند‌های پرواز این پایگاه برای هواپیماهای حمل و نقل و جنگنده‌های غول پیکر نوسازی شود. در مجموع این برنامه ۱۶۵۰ میلیون دلار کمک نظامی به سادات در نظر گرفته شده است. ۷۵ میلیون دلار هم به ترمیم باند پرواز و ایجاد تأسیسات گوناگون در پایگاه هوایی مصیره در عمان اختصاص دارد. برای گسترش پایگاه صعب‌درساحل تنگه هرمز نیز هزینه‌هایی در نظر گرفته شده است. هم‌چنین حکومت واشنگتن به رژیم سومالی ۲۴ میلیون دلار "هدا" می‌کند تا بندر بربره نوسازی شود و کشتی‌های جنگی آمریکا بتوانند در آن لنگر بیاورند. ۲۶ میلیون دلار هم به کنیا پرداخت می‌شود تا بندر مومباسا گسترش یابد و تأسیسات نظامی در آن ایجاد گردد. پایگاه هوایی ظهران در ساحل خلیج فارس نیز که به عربستان تعلق دارد، ترمیم و تجهیز خواهد شد تا برای هواپیماهای سنگین حمل و نقل C-۵ سوخت‌گیرها و بمب‌افکن‌های ۵۲-ب مناسب شود. همچنین موشک‌های هوا به هوا و دخایر سوخت اضافی برای ۱۶ فروند جنگنده بمب افکن ۱۵-۴ عربستان به این کشور فروخته خواهد شد که به میزان قابل ملاحظه‌ای به توان رزمی و حدود عملکرد این هواپیماها می‌افزاید. دلیل این تصمیم تغییر اوضاع "به خاطر انقلاب ایران، جنگ ایران و

کمپ‌دیوید قدرت نظامی جنبش فلسطین را خنثی سازد و از طریق کشاندن سایر رژیم‌های مرتجع به معامله جداگانه با اسرائیل، جنبش انقلابی فلسطین و دولت‌های ترقی‌خواه منطقه را به انزوا کشاند. از این گذشته امپریالیسم آمریکا قصد دارد در آینده نزدیک اقدامات شدیدی برای برقراری حضور نظامی خود در اطراف خلیج فارس انجام دهد. از جمله این اقدامات آمریکا در این زمینه باید از "نیروهای چند ملیتی" در شبه جزیره سینا نام برد که با موافقت قاهره و تل‌آویو برای حفظ صلح بین مصر و اسرائیل پس از خروج سربازان اسرائیلی از صحرای سینا در آوریل ۱۹۸۲، بر طبق قرارداد خائنانه کمپ‌دیوید تشکیل می‌شود. تعداد این نیروها ۲۵۰۰ نفر خواهد بود که بر طبق همه‌شواهد موجود قبل از هر چیز سربازان آمریکایی را در بر می‌گیرد. جنون تسلیحاتی امپریالیسم در این میان ترکیب نظامی، جزیره دیه‌گوگاریا نقش حلقه مهمی را در زنجیر پایگاه‌ها، تأسیسات و نقاط ارتباطی اطراف خلیج فارس بازی می‌کند. زیرا از آنجا که این محل در مرکز اقیانوس هند قرار دارد، آمریکا قادر است از آن نقطه علیه هر کشور ساحلی در منطقه وارد عمل شود. بنادری برای ناوهای هواپیما، سیلوهای متعدد برای پرتاب موشک بالستیک و باند‌های پرواز برای بمب‌افکن‌های استراتژیک ۵۲-ب از قبل در دیه‌گوگاریا ساخته شده‌اند. انتقال مخفیانه سلاح‌های هسته‌ای به این جزیره نیز در جریان است. امپریالیسم آمریکا هم‌چنین تحقق برنامه پنج ساله خود برای تأسیس پایگاه‌های جدید و توسعه پایگاه‌های قدیمی در

در اواخر اسفند ماه سال گذشته الکساندر هیک وزیر خارجه آمریکا بدون هیچ گونه ابهامی اظهار داشت که ایالات متحده در صورت "تغییری در وضع موجود" منطقه خاورمیانه تمام توان خود را به کار خواهد انداخت. در همان زمان هیک از تصمیم واشنگتن در باره ایجاد یک "توافق همگامی استراتژیک" از پاکستان تا مصر سخن گفت و گویا این تصمیم با توافق استراتژیک آمریکا - اسرائیل که چند روز پیش صورت گرفت در حال پیاده شدن است. براساس این توافق آمریکا مستقیماً در جنایات تجاوزکارانه صهیونیسم شریک خواهد شد و اسرائیل می‌تواند به‌انبار تانک‌های آمریکایی در خاورمیانه و زرادخانه امپریالیسم تبدیل شود. حفاظت از هواپیماهای آمریکا بر فراز دریای مدیترانه را به عهده گیرد، پرسنل آمریکایی را در فرودگاه‌های خود بپذیرد و آب‌های زیر کنترل خود را در اختیار ناوگان آمریکا قرار دهد. در همان روزهایی که هیک دکترین جمهوری‌خواهان را در مورد خلیج فارس مطرح کرد، در یک اجلاس سری نظامی، در تشریح این طرح گفته شد که ایالات متحده باید نیروی بزرگی در تأسیسات جنوب غربی آسیا ایجاد کند و مرکز فرماندهی مخصوصی در یک پایگاه "بی در آن منطقه تشکیل دهد تا بتواند همه نیروهای نظامی خود را در دفاع از به اصطلاح "منافع حیاتی آمریکا در خلیج فارس" به کار اندازد. قرارداد کمپ‌دیوید ستون فقرات استراتژی تجاوزگرانه و سلطه‌طلبانه امپریالیسم آمریکا را در منطقه تشکیل می‌دهد. در نتیجه معامله کمپ‌دیوید، مصر، یعنی یکی از نیروهای اصلی جبهه رویارویی با صهیونیسم به اردوگاه امپریالیسم پیوست. امپریالیسم آمریکا در قرارداد کمپ‌دیوید به دنبال ایجاد یک محور اتحاد به رهبری آمریکا برای تجاوز و توطئه علیه دولت‌های مترقی و جنبش‌های آزادیبخش منطقه و تحکیم رژیم‌های دست‌نشانده خود بود. امپریالیسم آمریکا امیدوار است با تکیه بر طرح

به مناسبت ۹ مهرشصتمین سالگرد شهادت حیدرعمو اوغلی رهبر حزب کمونیست ایران

### ۹ سال مبارزه برای تأمین وحدت صفوف مردم

★ انقلاب ملی باید به انقلاب اجتماعی دگرسان شود (حیدرخان)

رفیق حیدر عمواوغلی از برجسته‌ترین رهبران حزب کمونیست ایران و کوشنده راه استقلال و آزادی میهن در سال ۱۲۵۹ در ارومیه تولد یافت و طی عمر کوتاه خویش، چه در جنبش کارگری و کمونیستی و چه در مبارزات ضدامپریالیستی و رهایی بخش مردم ایران، منشأ خدمات بسیاری گشت او که در مکتب بلشویک‌های روسیه پرورش یافته و شاگرد وفادار لنین بود نخستین کسی است که در ایران دست به تشکیل حوزه‌ها و محافل سوسیال - دموکرات زده و راه را برای فعالیت منظم انقلابیون کمونیست در میهنان هموار ساخت حیدرخان در تشکیل حزب کمونیست ایران، در مبارزه علیه انحرافات آن، در گسترش مارکسیسم - لنینیسم در ایران، در تقویت پیوندهای انترناسیونالیستی کمونیست‌های میهنان با گردان‌های پیشرو طبقه کارگر در سراسر جهان در نبرد علیه امپریالیسم و ارتجاع، در افشای سازشکاران، در تلاش به خاطر رهایی محرومان از ظلم و ستم به ویژه در جریان انقلاب مشروطیت و نهضت جنگل، سهم فعال و فراموش نشدنی بر عهده دارد.

حیدرخان رهبری لایق و ازجان گذشته و سازمان‌گری سخت‌کوش و استوار برای طبقه کارگر و همه زحمتکشان میهنان بود. در فهرست خدمات درخشان و انقلابی حیدرخان این فرزند دلاور خلق، مبارزه بی‌امان وی در راه تاءمین وحدت صفوف مردم علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی آموزنده و مثال زدنی است. حیدر که درک پیشرفته‌ای از روند انقلاب و ویژگی‌های بغرنج مبارزه مردم ایران داشت، به درستی بر ضرورت اتحاد همه اقشار و طبقات انقلابی در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع به عنوان شرط اساسی کامیابی خلق آگاهی یافته و در راه آن می‌کوشید. حیدر به همراهی سایر هم‌زمان خود توانست مبارزه سوسیال

دموکرات‌های ایران را در انقلاب مشروطیت، به طور کلی در این جهت سمت دهد. حیدر خان مبارزه در راه وحدت خلق را نه تنها به‌منظور نبرد با دسایس و توطئه‌های دشمنان آشکار انقلاب یعنی دربار شاه، فتوادل‌ها و دو دولت روسیه تزاری و انگلستان امپریالیستی، بلکه همچنین در جهت خنثی ساختن تلاش‌های سازشکارانه جناح لیبرال (ملاکین لیبرال، بورژوازی بزرگ و روحانیت مدافع آنان) و بی‌سرو کسیدن توده‌های مردم از دائره نفوذ سیاست‌های خیانتکارانه آنان به منظور گشایش راه جهت رهایی قطعی زحمتکشان می‌دانست او معتقد بود: عدالت (حزب کمونیست ایران) باید عملیات خود را تا انهدام آخرین مللکار، خان، مباشر، از هرملتی یا مذهبی می‌خواهد باشد، ادامه دهد. انقلاب ملی باید به انقلاب اجتماعی دگرسان شود.

انجمن‌های انقلابی که طی انقلاب مشروطیت به‌وجود آمدند چنین هدفی را دنبال کرده و تاءثیرات عمیقی بر انقلاب برجای نهادند. پس از مقاومت قهرمانانه ۱۱ ماهه شهر تبریز در مقابل ارتجاع قاجار و با فتح تهران توسط مجاهدین سوسیال دموکرات گیلان و سپس اصفهان که آغاز مرحله دوم انقلاب بود، سوسیال دموکرات‌های ایرانی به رهبری حیدرخان گام‌های ارزنده‌ای در راه وحدت نیروهای انقلابی به جلو برداشتند که حاصل آن تشکیل حزب دموکرات بود. این حزب با کمک مستقیم سوسیال دموکرات‌ها به‌وجود آمد و هدف آن ادامه انقلاب از طریق تشکل و گردآوری نیروهای انقلابی و دموکراتیک زیر یک پرچم واحد و مقابله با جریان‌های سازشکار در احزابی نظیر اتحاد و ترقی، اعتدالیون و غیره متشکل شده بودند، بود. حیدرخان در هدایت امر مبارزه به‌خاطر وحدت صفوف مردم آن‌چنان شایستگی از خود نشان داد

و آن‌چنان اعتماد رهبران مردمی انقلاب را به‌دست آورد که ستارخان سردار ملی همواره در مورد او می‌گفت: "هر چه حیدرخان بگوید همان است" این تلاش‌های گران‌قدر در راه وحدت جنبش خلق و اتحاد با سایر قوای انقلابی ارج بیشتری می‌یابد هرگاه توجه‌کنیم که در همان زمان برپایه نظرات نادرست و "چپ" روانه‌ای که در بین سوسیال دموکرات‌های ایران رواج داشت حتی شرکت در انقلاب مشروطه به دلیل آن‌که یک انقلاب بورژوازی بود نادرست انگاشته می‌شد.

پس از آن‌که انقلاب مشروطیت به‌علت خیانت سازشکاران و وجود تفرقه در میان نیروهای جنبه انقلاب دچار شکست شد، حیدرخان مبارزه خود را در راه تاءمین صفوف مردم و گردآوری مجدد نیروهای خلق ما در دو جنبه ادامه داد. یکی در درون صفوف حزب کمونیست ایران دیگری در میان نیروهای شرکت کننده در قیام‌های شمال میهنان، به‌ویژه جنبش جنگل. به دنبال انقلاب مشروطیت یک رشته قیام‌های ملی، خراسان، گیلان، آذربایجان را در بر گرفت. قیام دیگری در میان دامنه‌دارترین آنان بود و به تشکیل جمهوری گیلان انجامید. تولد جمهوری گیلان حاصل اتحاد عمل ۴ گروه اجتماعی: جنگلی‌ها (طیفی از زحمتکشان خرده‌پا، اقشار متوسط و حتی برخی بازرگانان بزرگ و فتوادل‌ها) به رهبری میرزا کوچک‌خان، کارگران کشاورزی به رهبری خالوقریبان روشنفکران انقلابی به رهبری احسان‌الله خان و کمونیست‌ها به رهبری حیدرخان بود. این جمهوری که در آن شرایط پایگاه اصلی انقلاب در ایران به‌شمار می‌رفت بارها به‌دلیل تزلزلات، محافظه‌کاری‌ها و سیاست‌های تنگ‌نظرانه کوچک‌خان از یک سو و اقدامات نادرست و

ماجراجویانه احسان‌الله خان و همچنین برخی کمونیست‌های ایرانی (تا قبل از تشکیل کمیته مرکزی دوم حزب و انتخاب حیدرخان به ریاست آن) از سوی دیگر که وحدت نیروهای تشکیل دهنده آن را دچار اخلال می‌نمود در آستانه شکست قرار گرفت برای پایان دادن به اختلاف و تفرقه در میان سران جنبش و نجات جمهوری و استمرار انقلاب، کمونیست‌های ایرانی و در رأس آنان حیدرخان در این دوجبهه به کارزار وسیعی دست زدند. در داخل صفوف حزب کمونیست با انتخاب یک کمیته مرکزی جدید به ریاست حیدرخان که پس از مبارزه‌ای سخت و با یاری همه‌جانبه کمینترن میسر شد "چپ" روی‌ها تا حدودی مهار شد و تزهائی که خطوط اساسی آن در مقاله حیدر عمواوغلی به نام "بنیادهای اجتماعی انقلاب ایران" طرح و حل شده بود به تصویب رسید و رهنمون عمل حزب شد. در این تزه‌ها با تاکید بر احتراز از اقدامات پیش‌رس، وحدت و مناسبات دوستی با سایر نیروهای ضدامپریالیستی توصیه شده بود. در تزه‌های حیدرخان تاءکید شده بود که حزب، کار خود را تا سرنگونی حکومت شاه و گرد امپریالیسم انگلیس بر پایه اتحاد همه طبقات از پرولتاریا گرفته تا بورژوازی متوسط، برای مبارزه علیه قاجار و امپریالیست‌های بیگانه هم‌چنین بر پایه مناسبات نزدیک با حزب دموکرات‌های چپ (گروه شیخ محمد خیابانی) که بیانگر منافع خردبورژوازی و روشنفکران مبتنی می‌سازد... همچنین حزب کمونیست ایران (عدالت) خواهان آن است که با رهبران سرشناس جنبش آزادی‌بخش ملی مانند میرزا کوچک‌خان و امثال او همکاری کند. این اسناد به خوبی شایعات بی‌اساس را که منشأ آن تبلیغات امپریالیستی است مبنی بر این‌که

کمونیست‌های ایرانی از همکاری با کوچک‌خان سر باز زدند افاشاء می‌سازد. (قابل توجه‌است که کمونیست‌های ایران برای جلب اطمینان میرزا و ادامه همکاری با او حتی حاضر شدند قوای مسلح خود را تحت فرمان او قرار دهند، اما این میرزا بود که نپذیرفت) حیدر عمواوغلی ضمن تحلیل ارزو حانیون و تقسیم آنان به دو گروه تاءکید کرد که بخش عمده روحانیت نزدیک به مردم و "طرفدار اصلاحات دموکراتیک هستند و در انقلاب مشروطیت هم شرکت کردند. تصویب تزه‌های فوق که به طور کلی شرایط آن‌روزی انقلاب ایران و وظایف انقلابیون را به صحیحی ارزیابی کرده بود و همچنین انتخاب حیدرخان به ریاست کمیته مرکزی، غلبه حزب پرگراشات نادرستی بود که زمان انقلاب بورژوا - دموکراتیک را سپری شده تلقی کرده و به فکر انجام "انقلاب خالص کمونیستی" بودند. حیدرخان براساس تزه‌های جدید دست به کار شد و با توجه به اعتبار شخصی موفق گردید مجددا رهبران جنبش را گردآورده و جمهوری گیلان را سامان دهد. حیدر عمواوغلی برای برقراری ارتباط با قیام‌های خراسان و آذربایجان و گردآوری ۳ قیام فوق‌الذکر در زیر یک پرچم واحد و سپس حمله به ارتجاع تهران نیز دست کوشش‌های جدی زد. در هیئت از سوی او به خراسان و آذربایجان فرستاده شد. اما با توجه به دشواری مسافرت در آن سال‌ها نمایندگان حزب کمونیست زمانی به آذربایجان و خراسان رسیدند که هر دو قیام به دست امپریالیسم و ارتجاع در خون خفه شده بود. وحدت قوای جمهوری گیلان نیز دیری نپایید، اختلافات ریشه گرفته بود و اقدامات میرزا از یکسو و احسان‌الله خان از سوی دیگر آن را ریشه‌دارتر می‌ساخت. امپریالیسم و ارتجاع باهمه توان خود در تشدید اختلافات بین سران جمهوری می‌کوشیدند. امپریالیسم انگلستان که پس از سرنگونی رژیم تزاری و برقراری دولت جوان شوروی، فعال مایشا صحنه

به مناسبت شصتمین سالگرد شهادت روحانی مبارز شیخ محمد خیابانی

# خیابانی : هر کس یک گام بسوی ما بردارد ده گام بسوی او بر میداریم

● شهادت خیابانی تنها یکی از خیانت‌های بیشتر لیبرال‌ها نسبت به انقلاب و مردم ماست .

با سپری شدن شهرپورماه ۶۰، شصتمین سالگرد شهادت یکی از چهره‌های برجسته تاریخ مبارزات قهرمانانه مردم ایران، شیخ محمد خیابانی رهبر قیام ملی تبریز نیز سپری گشت. خیابانی از جمله رهبرانی بود که پس از انقلاب اکتبر و تحت تأثیر اندیشه‌های انسانی و انقلابی آن، در شاه‌های دموکراتیک، میهن‌پرستانه و ترقی‌خواهانه خویش بسیار پیش رفت و تا مرز شهادت نیز، نسبت به آن پیگیر باقی ماند. فرزند دلیر و شجاع خلق آذربایجان، در اوج دموکراتیسم انقلابی‌اش به دست تبهکارترین عمال امپریالیسم و ارتجاع و با همکاری مستقیم لیبرال‌های خیانت پیشه، در حالی که تا واپسین لحظات زندگی خود قهرمانانه جنگید به شهادت رسید.

خیابانی از نخستین انقلابیون دموکرات ایران بود که امکانات عظیمی را که پس از پیروزی انقلاب اکتبر و آغاز دوران تاریخی نوین در جهت استقلال و بهائی ملل کوچک پدید آمده به درستی درک کرد. "ما در زمانی زیست می‌کنیم که کوچک‌ترین ملت‌ها مستندا" به حق خود استقلال و آزادی دست می‌یابند و خیلی مسروریم از مشاهده این که یک‌دهه از ملل مجاور سرحدات تا به این موفقیت نایل می‌شوند." (سخنرانی ۲۶ خرداد ۱۲۹۹) خیابانی اعتقاد داشت برای این که انقلابیون و مردم ایران بتوانند از این امکان‌ها بیشترین بهره را بگیرند، باید بر اساس مبارزه با امپریالیسم متحد شوند. او که خود روحانی بود، با همه قوا علیه توطئه‌های امپریالیستی و ارتجاعی که می‌کوشیدند مبارزان و انقلابیون را بر اساس تقسیم‌بندی‌های چون مذهب، ملیت، قومیت و ... پراکنده و متفرق سازند، هشدار می‌داد و انقلابیون را به اتحاد بر اساس مسلک سیاسی

دعوت می‌کرد:

"مسلک سیاسی، حاکم و فائق بر تمام عقاید است، ادیان، مذاهب، قومیت و ملیت در پیش عقاید سیاسی خالی از تأثیر و نفوذ می‌باشند. وحدت مسلک تولید محبت و اتحاد می‌کند. آزادی‌خواهان گرجی و ارمنی که در انقلاب ایران پهلوی به پهلوی می‌جنگیدند و خون خودشان را برای وطن و آزادی ایرانیان می‌ریختند، دلالت بر صحت این قضیه دارد." (سخنرانی ۲۷ اردیبهشت ۱۲۹۹)

بر اساس چنین تفکری خیابانی همواره در صدد بود قیام تبریز را با انقلابیون سراسر جهان و به‌ویژه دولت جوان شوروی نزدیک سازد. او که بر ضرورت دوستی و همکاری با دولت شوروی به عنوان بزرگ‌ترین حامی انقلاب ایران پی برده بود می‌کوشید مردم را نیز بر ضرورت این دوستی بیش از پیش آگاه سازد. خیابانی می‌گفت:

"ما ایرانی‌ها بدون هراس با دستجات بلشویک که استقلال و آزادی ایران را به قدر استقلال و آزادی کشور خویش محترم می‌دانند و پیمان ۱۹۰۷ را پاره کرده‌اند - رفاقت (می‌کنیم) ... ما در برابر کسانی که با قلب پاک و با محبت یک گام به سوی ما بر می‌دارند ده گام برمی‌داریم که آنها را با شوق و اعتقاد پیشواز کنیم"

(غ. محمدلی "خیابانی" - به زبان آذربایجانی) خیابانی به توده‌ها تکیه داشت و آنها را با روح فداکاری نسبت به انقلاب و میهن‌پرورن داده فداکاری و قهرمانی خلق‌های روسیه را همواره سرمشق آنان قرار می‌داد:

"در روسیه، در راه آزادی، میلیون‌ها مردم تن به مرگ دادند از سر خود گذشتند، جوانان و دخترانشان را در این راه فدا کردند، کشته شدند، بالاخره ملت روس متحداً بر ضد استبداد قیام نمود. پس

از انقلابات خونین آزادی را به چنگ آورد و برای همیشه فاتح شد."

(سخنرانی ۱۴ تیرماه ۱۲۹۹) خیابانی می‌آموخت که این فداکاری باید با آگاهی درآمیزد تا به سلاح نیرومند زحمتکشان در مبارزه به‌خاطر استقلال و آزادی بدل‌شود؛ ما باید طبقات پائین را به حقوق اجتماعی خود آشنا سازیم. آنها را با سلاح علم و دانش مجهز کنیم تا بتوانند در دفاع از آزادی خود محکم ایستادگی کنند."

(غ محمدلی "خیابانی") چنین افکار و اقدامات ترقی‌خواهانه‌ای، خیابانی رهبر حکومت ملی آذربایجان را نه تنها به دشمن سرسخت امپریالیسم و ارتجاع بدل ساخته، بلکه وحشت و نگرانی لیبرال‌ها را نیز برانگیخته بود. خیابانی راه خود را با لیبرال‌های خیانت‌پیشه‌ای که می‌کوشیدند به بهای سازش با امپریالیسم و ارتجاع مبارزات مردم را در خون خفه سازند جدا ساختن و این جدائی را چنین توضیح می‌داد "خط حرکت لیبرال‌ها تا امروز طوری بوده و رفتارشان به شکلی جلوه کرده که ما مجبور شدیم (از آنها به کلی جدا شده) مسلک خودمان را به اصطلاح خودمان "مسلک تجدد" بنامیم" (سخنرانی: ۶ اردیبهشت ۱۲۹۹)

سرانجام نیز شیخ محمد خیابانی با اتحاد مستقیم همین لیبرال‌های خیانت‌پیشه به سرکردگی (حاج‌مخبر السلطنه هدایت) و امپریالیسم و ارتجاع قاجاری به شهادت رسید. خاطره تابناک خیابانی روحانی مبارز و انقلابی را گرامی داشته درس‌های گرانبه زندگی پرپراز او را سرمشق مبارزه علیه جبهه براندازی به سرکردگی آمریکای جنایتکار قرار دهیم!



## جبهه براندازی

ملی گسترش می‌یابد نشانه‌گیری شده‌اند

گردهمایی کشورهای ارتجاعی منطقه به منظور ایجاد نیرویی برای به‌اصطلاح امنیت تنگ هرمز که دولت سرسپرده عمان مبتکر آن بوده است، و نیز ورود برخی سران و کارشناسان سیاسی و نظامی امپریالیسم به منطقه همگی نشانه‌های آخرین تلاش‌های امپریالیسم جهانی و دولت‌های ارتجاعی متحد آن علیه انقلاب ایران است.

اندره‌گرمیکو وزیر خارجه شوروی طی سخنان خود در مجمع عمومی سازمان ملل ضمن حمله شدید به سیاست خودسرانه آمریکا و مداخله در امور کشورهای دیگر با توجه به نقشه‌ها و توطئه‌های اخیر امپریالیسم و ارتجاع منطقه گفت که:

"آمریکا نیروی دریا بی بزرگی در منطقه خلیج فارس متمرکز کرده و این اقدام علیه ایران، شوروی و شماری از کشورهای آسیای است" در چنین شرایطی است که انقلاب ما به وحدت هرچه بیشتر نیروهای ترقی‌خواه و ضدامپریالیست، به شناخت دشمنان جهانی و داخلی خود نیاز دارد. تمامی ارتجاع منطقه بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و همه دشمنان داخلی انقلاب، برای نابودی دشاوردی‌های آن و سرنگونی جمهوری اسلامی متحد شده‌اند. نیروهای انقلاب و توده‌های میلیونی خلق نیز باید صفوف خود را هرچه فشرده‌تر سازند. انقلاب ما امروز بیش از هر زمان دیگری به تلاش آگاهانه و مسئولانه در راه اتحاد هر چه بیشتر نیروهای خلق نیازمند است.

پیروزی در جبهه جنگ علیه امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه و پیروزی قطعی در جنگ علیه رژیم تجاوزگر صدام مستلزم اتحاد و همبستگی هرچه بیشتر خلق ما است. امروز آرامش و امنیت داخلی ایران، رعایت قانون اساسی و ایجاد امنیت فردی و اجتماعی و سیاسی مردم ایران ضامن دست‌یابی به چنین وحدتی است.

بدیهی است که امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه پیشبرد طرح‌های تجاوزگرانه خود را درگرو

ایجاد اغتشاش و تشنج درگیری‌های داخلی و ایجاد عدم امنیت در ایران می‌دانند. و در راه ایجاد چنین شرایطی به هر تلاشی دست می‌زنند. طبق آخرین شواهد برخی دول ارتجاعی منطقه برای بی ثبات جلوه دادن اوضاع ایران، قصد دارند کارکنان سفارتخانه‌های خود را از ایران خارج کنند. در چنین شرایطی است که باند رجوی خیابانی با به راه انداختن مثنی نوجوان کم‌تجربه در خیابان‌ها و به صحنه درآوردن نمایش مضحک و در عین حال دردناک "تظاهرات مسلحانه" کار جنون و خیانت را به اوج می‌رسانند. اینها در واقع با قربانی کردن جوانان بر شور و صادقی که می‌بایست نیروی انقلاب ما باشند از سویی عملاً در راستای اهداف ارتجاع منطقه گام برمی‌دارند و از سویی کار انزوای محافلی از جمهوری اسلامی را که مخالف اجرای قانون اساسی و پایان دادن به خشونت و تشنج هستند، با دشواری‌های جیدی روبرو می‌سازند. "تظاهرات" جنون‌آمیز و کودکانه "مسلحانه" محاهدین از سویی با ایجاد تشنج و درگیری و خشونت به امپریالیسم خدمت می‌کند از سویی با قربانی کردن جوانان پرشور این کشور ارتجاع منطقه را خوشحال می‌سازد و از سویی مانع تصفیه محافل راستگرایسی است که امروزه می‌کوشند جمهوری اسلامی را از درون تهی سازند و قانون اساسی جمهوری را زیر پا گذارند. از این رو است که ما قطعا این اعمال مذبحخانه را نیز حلقه‌ای از سلسله زنجیر دسیسه‌ها و توطئه ضدانقلاب بسرکردگی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران می‌دانیم و همه نیروهای میهن‌پرست را به افشای آن فرامی‌خوانیم. راه پیروزی انقلاب ایران راه اتحاد. هرچه وسیع‌تر و محکم‌تر توده‌های میلیونی خلق است. چنین اتحادی تنها از طریق اتخاذ روش‌های مسئولانه و پیگیرانه تمامی نیروهای ضدامپریالیست و همه آنهایی که در راه استقلال ایرانی آزاد و دموکراتیک مبارزه می‌کنند، می‌گردد. در راه دست‌یابی به چنین اتحاد رزقنده‌ای همه توان خود را بکار گیریم

# دست‌های پینه بسته دهقانان سند مالکیت آنهاست



● مجلس باید با برطرف کردن ابهامات لایحه پیشنهادی وزارت کشاورزی و تصویب بلادرنگ آن از حیثیت و اعتبار مردمی خود دفاع کرده و اثبات کند که از منافع دهقانان محروم دفاع می‌کند و با منافع غارتگرانه فئودالها، خوانین و مالکان بزرگ سر سازش ندارد.

سرنجام با گذشت دو سال و نیم از پیروزی انقلاب و ۹ ماه پس از توقف اجرای بندهای "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب، وزیر کشاورزی همان لایحه را بدون تغییر اساسی با اضافه کردن چند تبصره به هیئت دولت ارائه کرد. این لایحه قرار است به زودی در مجلس شورای اسلامی مورد بررسی و تصویب نهایی قرار گیرد.

از آنجا که تکمیل، تصویب و اجرای این لایحه گام بلندی در جهت تأمین منافع میلیون‌ها دهقان زحمتکش است، جا دارد بار دیگر محرومیت میلیون‌ها دهقان زحمتکش و ابهامات موجود در لایحه پیشنهادی وزیر کشاورزی را مورد بررسی قرار دهیم.

به قول امام مردم هرآنچه می‌بایست کرده‌اند و حالا دیگر نوبت مسئولان است که بد مطالبات و خواست‌های مردم و در رأس آن خواست‌های توده‌های میلیونی زحمتکش جامعه پاسخ مقتضی و درخور بدهند.

یک بررسی اجمالی از وضعیت روستاهای کشور تبعیض طبقاتی و بی‌عدالتی اجتماعی عظیمی را که دامنگیر میلیون‌ها دهقان زحمتکش است آشکار می‌سازد.

عده قلیلی در حدود ۲۵ هزار خانوار یا یک درصد از خانوارهای کشاورز مالک حدود ۳/۵ میلیون هکتار یا حدود ۲۰ درصد از کل اراضی قابل کشت کشور هستند. و این در حالی است که حدود ۵۰۰ هزار خانوار کشاورز یعنی ۱۸ درصد کل خانوارهای کشاورز در سطح کشور بدون زمین بوده و یک میلیون خانوار کشاورز مالک حدود ۴/۵ درصد از کل اراضی قابل کشت می‌باشند.

از آمار فوق چنین برمی‌آید که ۲۵ هزار خانوار هر یک بطور متوسط مالک ۱۴۰ هکتار زمین بوده و در مقابل آن یک میلیون خانوار هر یک بطور متوسط مالک حدود هفت‌دهم (کمتر از یک هکتار) زمین قابل کشت می‌باشند. توجه به این امر که از ۱۶ میلیون هکتار کل اراضی قابل کشت کشور، سالانه حدود ۱۰ میلیون هکتار به زیر کشت برده می‌شود و بقیه به صورت آیش رها می‌گردد نشان‌دهنده این واقعیت است که از هفت‌دهم هکتار زمینی که دهقانان زحمتکش در اختیار دارند، مقادیری نیز همه ساله اجباراً به صورت آیش رها می‌گردد. توجه جدی به این ارقام و آمار نشان‌دهنده عمق فقر و فلاکت قشر عظیمی از هم‌میهنان زحمتکش روستایی است که محکوم گردیده‌اند، یا تن به سخت‌ترین شرایط دهند و محروم و به دور از همه چیز و از تمام امکانات ابتدایی زندگی در بدترین شرایط، روزگار بگذرانند و یا در پی لقمه‌ای نان از روستاها مهاجرت کنند و به سپاه آوارگان شهرهای کشور پیوندند.

علاوه بر این اختلاف فاحش، سطح درآمد دهقانان زحمتکش با صاحبان زمین‌های بزرگ خود شرحی گویا از ادامه بی‌عدالتی در روستاهای کشور است. درآمد سالانه یک میلیون خانوار صاحب کمتر از ۲ هکتار زمین بطور متوسط کمتر از

سناجدهزارریال است، درحالی که ۲۵ هزار خانوار که متوسط زمین‌های آنها ۱۴۰ هکتار است هر یک سالانه بیش از بیح میلیون ریال درآمد خالص یعنی یک‌صد برابر درآمد یک خانوار صاحب کمتر از ۲ هکتار زمین را تصاحب می‌کنند وضع درآمد دهقانانی که بین ۲ تا ۵ هکتار زمین دارند، نیز بدهی‌جو از دهقانان گروه نخست بهتر نمی‌باشد. آمار و ارقام فوق به روشنی ضرورت انجام اقداماتی را مدلل می‌کند که می‌باید در جهت تأمین عدالت اجتماعی برای توده‌های میلیونی دهقانان کشور صورت پذیرد. تصویب و اجرای طرح اصلاحات ارضی ترقی‌خواهانه پس از گذشت ۲/۵ سال از انقلاب در رأس این اقدامات قرار دارد. از بعد از انقلاب تا به امروز هرآنگاه که مساله ارضی در دستور قرار گرفت، نیروهای مختلف با انگیزه‌های گوناگون به مخالفت با آن پرداختند از خوانین، فئودال‌ها و زمینداران بزرگ که با کمک حامیان روحانی و غیر روحانی خود مانع از اجرای بند "ج" و "د" بودند که بگذریم تا قبل از عزل بنی‌صدر و پیروزی خط امام بر خط سازش لیبرال‌ها بزرگترین مخالف و مانع اجرای اصلاحات ارضی بودند.

دولت گام به گام بازرگان که اساساً با هرگونه تغییر و تحول اساسی به نفع توده‌های زحمتکش مخالف بود لایحه‌ای را به تصویب شورای انقلاب رساند که در آن علناً "حق مالکیت زمینداران بزرگ و فئودال‌ها را به رسمیت شناخته می‌شد و هرگونه "تجاوز" به املاک این غارتگران مشمول "مجازات قانونی" بود.

خط سازش به کمک "اسلام آمریکایی" و تفاسیر مالک‌پسند پاره‌ای از روحانیون مدافع خط امام از جمله آیت‌الله ربانی عضو شورای نگهبان طرح مردمی رضا اصفهانی را به بهانه غیرشرعی بودن زیر علامت سؤال بردند.

امام خمینی، آیت‌الله منتظری، آیت‌الله شهید دکتر بهشتی و آیت‌الله مشکینی را مأمور مطالعه و بررسی "لایحه اصلاحی لایحه واگذاری زمین" که توسط رضا اصفهانی تهیه و تدوین شده بود کرد. هیئت ۳ نفره علیرغم همه هیاهوهای "مشروع‌طلبان" یا وفاداری به اساس طرح رضا اصفهانی، "لایحه واگذاری و احیای زمین" را تهیه و در تاریخ بیست و ششم فروردین ماه ۱۳۵۹ به تصویب شورای انقلاب رساند.

این طرح نیز به نوبه خود با مخالفت زمینداران بزرگ و روحانیون مدافع آنان روبرو شد. و از سوی پاره‌ای از روحانیونی که خود را در خط امام می‌دانند "غیر شرعی" اعلام گردید و این در حالی است که آیت‌الله منتظری، آیت‌الله مشکینی و مهمتر از آن خود امام بر شرعی بودن آن تأکید دارند.

طرح هشت ۳ نفره ۹ ماه در بوته تعلق و توقیف ماند و بر اساس شواهد موجود بزرگترین مانع قانونی تصویب و اجرای آن، شورای نگهبان جمهوری اسلامی بوده است که داعیه

غیر شرعی بودن آن را دارد و اکنون پس از گذشت ۹ ماه مجلس شورای اسلامی خود را آماده می‌کند که در شکل لایحه پیشنهادی وزارت کشاورزی آن را بررسی و مورد تصویب نهایی قرار دهد.

در لایحه پیشنهادی وزارت کشاورزی نواقص و ابهامات طرح هیئت ۳ نفره به همان‌گونه که بود باقی‌مانده و راه فرار برای عدم اجرای بند "د" یعنی مهمترین قسمت این لایحه به‌گونه‌ای باقی مانده است زیرا در این لایحه نیز به بندهای الف و ج اولویت داده و ذکر کرده است که "در صورتی که در محل یا نزدیک آن زمین‌های بند الف، ب و ج وجود داشته باشد اول آن زمین‌ها به کشاورزان داده می‌شود و اگر کافی نبود نوی به بند "د" می‌رسد."

( متن کامل لایحه اصلاحات ارضی اسلامی تقدیمی به هیات دولت - روزنامه اطلاعات چهارشنبه هجدهم شهریور ۶۰ ) همچنین در ماده ۴ لایحه آمده است که :

" در جاهایی که کشاورزانی وجود دارند که فاقد زمین زراعی هستند و جز از راه گرفتن مازاد زمین اینگونه مالکان نمی‌توان آنها را صاحب زمین زراعتی کرد، وظیفه اینگونه مالکان این است که مازاد برحد مذکور ( سه برابر عرف محل ) را به اینگونه زارعین واگذار کنند و اگر به میل خود به این وظیفه عمل نمایند، به مقضای ولایت به حکم حاکم از آنها گرفته و در اختیار کشاورزان نیازمند گذارده می‌شود و دولت بهای نسق این زمین‌ها را پس از کسر بدهی‌های مالک به بیت‌المال به او می‌پردازد."

( همان منبع ) یک اصلاحات ارضی انقلابی و دموکراتیک باید مصادره ارضی کلیه زمینداران بزرگ و فئودال‌ها را دربر گرفته و بازمانده‌های فئودالیسم را از بین ببرد. در حالی که در این لایحه، واگذاری ارضی زمینداران بزرگ در درجه آخر قرار گرفته و قانون فاقد جامعیت بود و حدود مالکیت را مشخص نکرده است.

در مورد ترتیب واگذاری انواع اراضی، قابل





مهن ما ایران را نل از سروری انقلاب شکوهمند ۲۲ سهم ۵۷ زیر سلطه سیاسی - اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و نظامی امپریالیسم آمریکا قرار داشت چگونگی بهداشت و درمان ایران به عنوان یک مسئله اجتماعی سز به ناچار می‌بایست در ارتباط با چگونگی روابط درونی این سیستم مورد بررسی قرار گیرد .

برنامه‌ریزی‌های رژیم شاه در مورد بهداشت و درمان بر اساس آزمندی‌ها و منافع کلان سرمایه‌داران و انحصارات امپریالیستی سازماندهی می‌شد و صدای گوی خراشی که رژیم سرنگون شده شاه در مورد بهداشت و درمان رایگان و تأمین سلامت عمومی به راه انداخته بود ، فریبکاری سرمایه‌های بین‌بین بود . در اکثر روستاهای کشور اصولاً هیچ‌گونه امکان بهداشتی - درمانی یافت نمی‌شد . همچنین " عطایای " !

درمانی رژیم در روستاهای زیر پوشش عملاً نتیجه منتهی به دست می‌داد . به طور مثال : برای روستاییانی که در محیطی آلوده و از آب آشامیدنی آلوده به انگل استفاده می‌نمودند ، داروی ضد انگلی نمی‌توانست موثرتر باشد . این نحوه درمان قادر نبود عامل اصلی بیماری‌ها را ریشه‌کن نماید بلکه حاصل این‌گونه " درمان علامتی " صرفاً حذف موقت علائم بیماری بود که در بسیاری از موارد با عوارض جانبی همراه می‌گردید .

در شهرها و مناطق صنعتی کلیه موسسات و درمانگاه‌های دولتی در خدمت " طب علامتی " قرار داشتند و نسبت به درمان خصوصی از کیفیت بسیار نازل‌تری برخوردار بودند . حل بنیادی مصائب و مشکلات بهداشت و درمان با ماهیت رژیم وابسته پهلوی مغایرت داشت زیرا از بین بردن عوامل اصلی ناخوشی‌ها یعنی فقر تغذیه ، عدم پیشگیری و بهداشت ، نبود مسکن مناسب ، کمبود امکانات درمانی و ... و در مسیر تحقق خود با محور سلطه انحصارات بر حیات جامعه ما ملازم می‌گردید .

سمت‌گیری عمومی سیاست‌های رژیم منور پهلوی سبب شد تا وضعیت اسفندری بر چگونگی سبب و نحوه توزیع امکانات درمانی حاکم شود . طوری که بر طبق آمارهای موجود در روستاهای ایران از هر هزار کودک ۱۲۰ نفر و در شهرها ۶۲ نفر در اولین سال زندگی خود تلف می‌شوند . ( این آمار در کشورهای پیشرفته ۱۱ - ۲۰ در هزار است ) . عمر متوسط " در ایران برای مردان ۵۵/۱ و برای زنان ۵۶/۳ سال است ( در کوبا پیش از انقلاب عمر متوسط ۵۵ سال بود که اکنون برای مردان ۷۰ سال و برای زنان به ۷۳/۵ سال ارتقا یافته است ) .

تمرکز یافتند . بر این اساس وضعیتی پیش آمده است که طی آن ۶۹ شهرستان اساساً فاقد پزشک هستند . در ۶۶ شهر پزشک متخصص وجود ندارد . ۵۰ درصد کل پزشکان کشور به ویژه پزشکان متخصص در تهران هستند که بخش عمده این پزشکان در شمال شهر مطب دارند . مثلاً در خیابان فلسطین ۸۵ پزشک متخصص وجود دارد . بر طبق استانداردهای بین‌المللی برای هر صد نفر یک تخت بیمارستانی لازم است ، اما در ایران برای هر هفتصد نفر سها یک تخت وجود دارد . توزیع امکانات باراکلینیکی مانع رادیولوژی ، آزمایشگاه و غرض وضعیت به مراتب رفت‌بارتی را نشان می‌دهد .

آزمایش و تعیین عوارض جانبی به ایران می‌آمد ، و بخش دیگر داروهای بود که عوارض آنها به‌اثبات رسیده و فروش این داروها در کشورهای امپریالیستی منع گردیده بود . شرکت‌های چند ملیتی دارو علاوه بر صدور دارو ، اقدام به صدور سرمایه و ایجاد کارخانه‌های مونتاژ دارو نیز می‌نمودند . این شرکت‌ها از طرفی برای مونتاژ دارو حق " تحت لیسانس " دریافت می‌کردند و از طرف دیگر با صدور مواد اولیه برای این کارخانه‌ها مبالغ هنگفتی را به آنها می‌پرداختند . غارتگری کلان سرمایه‌داری در زمینه اقتصاد درمانی فقط به صدور و فروش دارو و لوازم پزشکی محدود

## چگونه بهداشت را مردمی کنیم

در سال ۵۰ بیماری‌های ناشی از عدم بهداشت که شامل بیماری‌های عفونی و انگلی است ۲۸٪ کل بیماران را در بر می‌گرفت . در حالی که بیماران گردش خون ، سرطان‌ها و سایر تومرها مجموعاً ۳/۴٪ موارد از بیماری‌ها را تشکیل میداد . وجود این تفاوت چشمگیر بیانگر شیوع و بیداد بیماری‌های ناشی از عدم بهداشت می‌باشد . و عوارض

گرازی و بیزیت پزشکان خصوصی ( علی‌الخصوص متخصصین ) و هزینه‌های سنگین بیمارستان‌های خصوصی ، اکثریت قریب به اتفاق زحمتکشان و طبقات کم درآمد را از این امکانات محروم کرده است بر اساس این وضعیت بخش اعظم امکانات بهداشتی درمانی موجود عملاً در انحصار سرمایه‌داران و بخش‌های مرفه درآمده است .

نمی‌گردید بلکه دزدی - حیف و میل و نیز تحمل مخارج غیرضروری دامنه این غارت را افزایش می‌دادند . فی‌المثل پرداخت مبالغ هنگفتی برای آجاره کامپیوترهای کنترل‌کننده در بخش بیمه درمانی سالیانه ، سود سرشاری را به جیب انحصارات امپریالیستی سرازیر می‌کرد . \*

سیستم آموزش پزشکی در ایران بر اساس الگو برداری از سیستم آموزش در کشورهای امپریالیستی سازمان‌دهی شده بود و به صورت یکی از اهرم‌های سلطه فرهنگی امپریالیسم ، در خدمت تسلط سیاسی و غارت اقتصادی انحصارات چند ملیتی قرار می‌گرفت . اشاعه فرهنگ امپریالیستی به همراه آموزش پزشکی که مبتنی بر نیاز کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته بود ، بسیاری از پزشکان را به سوی این کشورها می‌کشاند . در شرایطی که وجود یک بهادر در منطقه‌ای وسیع می‌توانست تسکین بخش آلام مردم باشد . بیش از ده‌هزار پزشک

متخصص و فوق متخصص ( از قبیل آقای دکتر یزدی وزیر خارجه دولت موقت لیبرال ) در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته بسر می‌بردند . مرکز تربیت کادرهای بهداشت و درمان به حدی قلیل بود که پزشکان موجود حتی نیاز طب علامتی شاهانه را نیز رفع نمی‌کردند . در این رابطه دولت سالانه تعداد زیادی پزشک را از کشورهای دیگر مانند هند و پاکستان به ایران می‌آورد . در این میان کشورهای امپریالیستی از طریق بورس‌های دولت ایران و نیز بورس ECFMG مستعدترین پزشکان تربیت شده ایرانی را که بخشی از سرمایه‌های این مملکت بودند به غارت می‌کردند .

آنچه را که از وضعیت بهداشت و درمان تاکنون برشمردیم ، اگر چه ریشه در رژیم گذشته دارد ولی متأسفانه سیمای کلی بهداشتی ، درمانی کنونی جامعه ما نیز هست . پس از پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ۵۷ دولت موقت لیبرال به‌جای ایجاد تغییرات بنیادی در نهادهای اجتماعی ما ، آشفته‌گی‌های دوران گذار را بهانه قرار داد و به بازسازی نظام پیشین پرداخت . سنگینی موقت سیاست‌های دولت موقت سبب گردید تا طرح طب ملی ارائه شده از طرف وزارت بهداشت ، عملاً بی‌نتیجه بماند . و وضعیت طب و درمان که بر بستر نظام پیشین در حرکت بود ، شالود

اساسی خود را حفظ نماید . بعد از برکناری دولت موقت ، عواملی مانند نداشتن برنامه روشن و عدم قاطعیت ، اخلال عناصر بورژوازی و مصائب جنگ تحمیلی سبب ادامه وضعیت گذشته در یکی از حیاتی‌ترین نیازهای جامعه کنونی یعنی بهداشت و درمان گردید . و تغییراتی متناسب با مرحله کنونی انقلاب ، در جهت مردمی کردن بهداشت و درمان صورت نگرفت . روند تبدیل بیمه درمانی مستقیم ( بر اساس این نوع بیمه درمانی هر وزارتخانه‌ای با امکانات درمانی جداگانه ، مستخدمین خود را تحت

## جنایت تازه مدعیان هواداری از خلق کرد

\* دستان جنایتکار کسانی که به دروغ خود را حامی خلق کرد می‌نامند بار دیگر به خون ۲ تن از صدیق‌ترین فرزندان این میهن آغشته شد .

## ۲ تن از هواداران سازمان مابه دست عوامل گروهک کومله به شهادت رسیدند

در تاریخ دهم شهریور ماه گذشته ، دو تن از سربازان هوادار سازمان مارتقا الیاس سفلی و احمد پور حسن توسط عمال گروهک کومله به شهادت رسیدند . این دو رفیق همراہ با عده‌ای از سربازان پاسا ، ایدارمیری ایرانخواه از یک باء موریت (اسیرب عاشین‌های مواد غذائی ) به پاسگا ، فود برمی‌گشتند . در سن ۱۰ ماهین رفا که حایل ۱۰ مریاز بوده است خراب شد ، اذ اکیپ عقب می‌افتد ، اری بعد عوامل گروهک سدانقلابی کومله به این اشین حمله کرده و با ریبی، جی آن را به آتش

می‌کشند . در نتیجه این انفجار ۵ تن از سربازان از جمله رفقای ما به شهادت می‌رسند و ۷ تن دیگر به اسارت مهاجمین درآمده و به بوکان برده می‌شوند . رفیق شهید الیاس سفلی در سال ۱۳۴۵ در روستای قره‌قشلی از توابع شهرستان گنبد دریک خانواده زحمتکش روستائی به دنیا آمد . وی پس از پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ، به سازمان بیوست و مدتی در گنبد فعالیت کرد . رفیق پس از انشعاب " اقلیت " راه سازمان و طبقه کارگر ایران را استوارتر از پیش ادامه داد و با شروع جنگ تحمیلی رژیم

صدام علیه میهن انقلابیمن ، داوطلبانه راهی جبهه‌های جنگ شد . پس از ۳ ماه آموزش، رفیق را به کردستان فرستادند . الیاس به پاسگاه ایرانخواه منتقل شده و آنجا نیز لحظه‌ای از فعالیت انقلابی باز نماند . او در دایر کردن کتابخانه ژاندارمیری و رشد آگاهی سیاسی افراد پاسگاه تلاش بسیار کرد . با گلوله‌های گروهک‌های ضدانقلابی و منحرف در روز دهم شهریور قلب برتیش رفیق الیاس از حرکت باز ایستاد . رفیق شهید احمد پورحسن در سال ۱۳۴۵ در آذرشهر از توابع تبریز به دنیا آمد .

رفیق در جریان انقلاب و سرنگونی رژیم آمریکائی شاه فعالانه شرکت داشت و در همین زمان راه سازمان ما را برگزید . رفیق احمد نیز پس از تهاجم رژیم صدام به خاک میهنمان بنا بر رهنمود سازمان به صف مدافعین استقلال میهن شتافت و پس از ۶ ماه دوره آموزشی به شهر سقز فرستاده شده و از آنجا به پاسگاه ایرانخواه منتقل گردید . رفیق در مدت کوتاهی که در کردستان بود و تازمانی که به وسیله گلوله‌های جنایتکاران در خون غلطید ، در تبلیغ مواضع سازمان و دفاع از انقلاب و مردم لحظه‌ای

کوتاهی نکرد . سازمان ما خاطره پرشکوه این دو رفیق و دیگر شهدای آن واقعه را گرمی داشته و به خانواده‌ها و بستگانشان تسلیت می‌گوید . شهادت این رفقا سند رسوائی و سقوط گروهک‌هایی است که پیشرفت انقلاب مردمی میهنمان بیش از پیش وورشکستی آنان را قطعیت بخشیده و اکنون آشکارا دست به خون صدیق‌ترین فرزندان این میهن آغشته‌اند .

گرمی باد خاطره تمامی شهیدان انقلاب فدائیمیلیستی مردم ایران!

## چگونه ...

بقیه از صفحه ۱۰

پوشش درمانی درآورده بود) به بیمه درمانی غیر مستقیم ( براساس انعقاد قرارداد سازمان خدمات اجتماعی با مؤسسات خصوصی درمانی) که از قبل از انقلاب آغاز شده بود ، سبب شد که امروز ۹۵٪ بیمه درمانی مستقیم به بیمه درمانی غیرمستقیم تبدیل شود و این درحالی است که با افزایش تعداد بیمه شدگان غیرمستقیم بالارفتن تقاضا بر عرضه سیاری از مؤسسات خصوصی درمانی قرار داد خود را سازمان خدمات درمانی نو کرده‌اند . کارگران و فرزندان با پرداخت حق بیمه انتظار بجائی از سیستم رمانی کشور دارند اما در رابط کثونی با لغو قرارداد بیمارستان‌های خصوصی راهی بجز تقبل هزینه درمانی دارند . باید گفت در حال حاضر سازمان خدمات درمانی هیچ وجه پاسخ‌گوی بهدات خود در قبال بیون‌ها نفر از بیمه‌شدگان خصوص کارگران که هر روز ر معرض خطرات جانی ناشی ز کار هستند ، نمی‌باشد . دامات موضعی که در بعضی

کنار حل مسائل فوق بر عهده مسئولین درمانی و بهداشتی است که با اقداماتی عاجل و اساسی به اصل ۲۹ قانون اساسی تحقق بخشند . طبقه بندی کلی این اقدامات را می‌توان به شرح زیر انجام داد :

- ۱ - طب پیشگیری و بهداشت عمومی عملاً بر طب درمانی اولویت داده شود . در حال حاضر بهداشت و پیشگیری تنها ۱۵٪ بودجه بهداشت درمان را به خود اختصاص داده است که این نسبت ، مقایر با اصل فوق است ( اولویت بهداشت بر درمان ) در زمینه گسترش بهداشت و پیشگیری ، کشورهای که به سلطه امپریالیسم خاتمه داده و ساختمان جامعه‌ای نوین را آغاز کرده‌اند ، تجربیات ارزشمندی دارند . نمونه آن کوبای سوسیالیستی می‌باشد که دست‌آوردهای درخشان آن شهرت جهانی یافته است با استفاده از این تجربیات و با در نظر گرفتن ویژگی‌های جامعه ، می‌توان شالوده سازماندهی بهداشت مردمی را پی‌ریخت .
- ۲ - تقویت و توسعه هرچه بیشتر طب دولتی چه از نظر کمیت وجه از نظر کیفیت می‌باید سمت‌گیری عمده

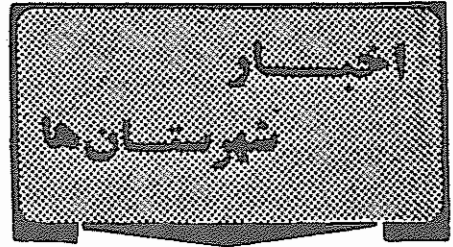
دولت جمهوری اسلامی باشد . و در این روند کنترل مداوم بر طب خصوصی ضروری است . مراکز درمانی بزرگ باید هرچه سریع‌تر ملی شده و در اختیار دولت قرار بگیرد .

- ۳ - با فراهم آوردن امکانات مناسب، پزشکان را به کار در سازمان‌های درمانی دولتی تشویق نمود . در حال حاضر برخی از مؤسسات خصوصی درمانی ، جولانگاه معدود پزشکانی است که بیشتر در جهت کسب سرمایه تلاش می‌کنند تا درمان و بسیاری از پزشکان جوان و متعهد قادر به بستری نمودن بیمارانشان در این مراکز نیستند .
- ۴ - پیاده کردن طرح ژنتیک دارویی و ملی کردن صنایع داروئی مملکت ، گامی مثبت و اساسی به‌شمار می‌رود . باید در جهت خودکفائی صنایع داروئی با کشورهای که حاضرند امکانات مناسب در اختیار میهن‌انقلابی ما قرار دهند ، ارتباط گسترده‌ای برقرار نمود . تاکنون کشورهای سوسیالیستی پیشنهادات مکرری برای همکاری در پایه‌ریزی صنعت مستقل داروئی در ایران به وزارت بهداری داده‌اند .
- ۵ - با ملی کردن تجارت

خارجی ، دولت می‌تواند بر واردات لوازم طبی داروئی کنترل مستقیم را اعمال نماید . در شرایط فعلی با احتکار این وسائل و فروش آن با قیمت‌های سرسام‌آور توسط معدود واردکننده ، این وسائل ، هرچه بیشتر بر گرانی هزینه درمانی دامن زده می‌شود .

- ۶ - با بازگشائی هرچه سریع‌تر دانشگاه‌ها و هماهنگ نمودن آموزش پزشکی با نیازهای جامعه می‌توان به تاءمین کادرهای بهداشتی - درمانی لازم همت گماشت . در این رابطه علاوه بر تربیت کادرهای آموزشی باید برای جلب پزشکان ایرانی در خارج از کشور اقدامات ضروری به عمل آید .
- ۷ - ایجاد بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها در مناطق پرجمعیت و توزیع عادلانه امکانات بهداشتی - درمانی در سطح کشور ضروریست همچنین با اعزام اکیپ‌های سیار به مناطق دور افتاده ، استفاده از امکانات نهادهای انقلابی مانند بسیج و جهاد سازندگی ، استفاده از امکانات ارتش جمهوری اسلامی می‌توان به سه برطرف ساختن نیازهای عاجل روستاهای کشور کمک نمود .

# پیروزباد آرمان انقلابی رفقای شهید★



## شرکتهای ژاپنی در اجرای پروژه برق رسانی کارشکنی می کنند

آذربایجان شرقی - برای اجرای پروژه برق رسانی تونیر که شهرها و بخش های مهمی از آذربایجان را به شبکه سراسری کشور متصل می کند سه شرکت فعالیت می نمایند . یکی از این شرکت ها که بر روی خط اصلی پروژه کاری کند " رومان الکترو " از کشور رومانی است که تاکنون طبق برنامه انجام وظیفه کرده است اما دو شرکت ژاپنی که متعهد بوده اند در طول یکسال طرح را به انجام برسانند با کارشکنی و بهانه تراشی به قول خود عمل نکرده اند . شرکت های ژاپنی هیتاچی و فورد که متعهد بودند عملیات ساختمانی و نصب ترانسفورماتورها را در سال ۵۷ به اتمام برسانند در جریان انقلاب کار را تعطیل کردند و در زمان " دولت موقت " دوباره به ایران باز گشتند و همچون دیگر شرکت های امپریالیستی به سنگ اندازی در راه انقلاب و ممانعت از اجرای طرح های زیربنایی پرداختند .

کار شناسان متعهد ایرانی که در طول دو سال گذشته شاهد اشکال تراشی ها و بلخالی های شرکت های امپریالیستی ژاپنی بوده اند خواستار قاطعیت مسئولان و سپردن کار به مهندسين و تکنسین های ایرانی و یاری گرفتن از مؤسسات و شرکت های وابسته به دولت های انقلابی می باشند . در ضمن باید از شرکت های ژاپنی که به بهانه های واهی کمبود مصالح و پرسنل فنی تاکنون زیان های زیادی وارد آورده اند ، برطبق قرارداد منعقد ، جریمه و خسارت دیرکرد دریافت نمود .

## با اقدام انقلابی پاسداران شادگان پانزده تن از عناصر ستون پنجم عراق دستگیر شدند

شادگان - در پی حملات وحشیانه مزدوران رژیم آمریکائی صدام به مناطق عرب نشین خوزستان و اطلاع از فعالیت عناصر ستون پنجم ، سپاه پاسداران شادگان ۱۵ تن از عوامل مزدوری را که با نیروهای متجاوز صدامی همکاری می کردند بازداشت نمود . در میان این ضدانقلابیون چند تن از شیوخ و فتوادل های مرتجع از جمله " شیخ جهاد امیر خنفره " و فرزندان و برادرانش دیده می شوند . " شیخ جهاد " که کشاورزان و زحمتکشان عرب منطقه را وحشیانه استثمار می کرد ، قبل از انقلاب نیز با ایادی رژیم شاه رابطه داشت و از آنان اسلحه دریافت می کرد . برادر وی به نام " ناصر امیر خنفره " که به عنوان " جوانمرد " !! در گروه های ژاندارمری استخدام شده برای جلوگیری از دستگیری " شیخ جهاد " به مقابله مسلحانه با پاسداران برخاست ولی در برابر آتش دشمن سوز پاسداران تاب مقاومت نیاورد و متواری شد . شایع است که وی از طریق " مارد " به دامن متجاوزین صدامی پناهنده شده است .

دستگیری عناصر ضدانقلاب و فتوادل های مرتجع شادگان با استقبال روستائیان و اهالی محل روبرو شد . مردم خواستار ادامه و گسترش

این گونه فعالیت های انقلابی در سایر مناطق خوزستان هستند .

## نابود باد جنگ و فقر

چندی پیش یک روستائی کرد زحمتکش ، بر اثر فشار جنگ برادرکشی در کردستان و دربدری و بیکاری و عدم تحمل بار توانفرسای زندگی خود و خانواده اش ، دست به خودکشی زد و به زندگی پردرد خود خاتمه داد . مرگ بی سروصدای این فرزند رنج و کار که دارای زن و سه فرزند بود تا شیر روستائیان و کارگران ساختمانی را برانگیخت . وی که حمزه یوسفیان نام داشت در روستای کردشین " خلیفه لو " واقع در ۲۰ کیلومتری جاده نغده - مهاباد زندگی می کرد . پس از جنایات باند معبودی - ملاحسنی و کشتار مردم بی گناه وی به بیماری روانی مبتلا شد و روستا را ترک گفت . پس از مدتی دربدری به نزد یکی از بستگانش که کارگر شرکت ساختمانی ککش بود آمد و یک ماه را نیز به این ترتیب به سرآورد . سرانجام در سرگراهِ یکی از آخرین روزهای تابستان ، با تمام عشقی که به زندگی و زن و سه فرزندش داشت به مرگ پناه برد .

## اخبار کوتاه

\* به دنبال تصفیه و دستگیری عناصر مشکوک در نهادهای انقلابی و به ویژه شورای کمیته مرکزی ارومیه ، افرادی همچون " فلاح " و " حمید مختاری " زندانی شدند . همچنین عناصر مسلح وابسته به " فلاح " در پاسگاه " باراندوز " خلم سلاح شدند .

\* دادگاه های انقلاب کرمانشاه و نواحی غرب کشور با در پیش گرفتن سیاست های اصولی و ارشادی نسبت به عناصر ناآگاه و فریب خورده ، گام های ارزنده ای در هدایت آنان و آرام نمودن منطقه برداشته اند . مردم به شدت از این نحوه برخورد پشتیبانی می نمایند .

\* در کمرگ جلفا تبریز نزدیک به سه هزار واگن حامل تیر آهن به علت عدم ترخیص و ناهماهنگی متوقف مانده و این در حالی است که بازار سیاه تیر آهن بیداد می کند .

## اتحاد عمل پیرومندان پيشمرگان ( پیرو کنگره چهارم ) پاسداران و سربازان علیه ضدانقلابیون

در جریان توطئه های ضدانقلابیون در نوار مرزی ایران و ترکیه که به قصد تصرف منطقه سلماس صورت گرفت ، پیشمرگان دمکرات ( پیرو کنگره چهارم ) ، پاسداران و سربازان مدافع انقلاب متحداً به مقابله با ضدانقلابیون پرداختند و آنان را به عقب راندند . در این درگیری یکی از مسئولین حزب دمکرات ( پیرو کنگره چهارم ) بنام " ملارضا " به شهادت رسید و ۱۳ تن از اعضاء و هواداران نیز زخمی شدند . ۸ تن از مهاجمین نیز به هلاکت رسیدند .

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران ( پیرو کنگره چهارم ) با انتشار اعلامیه ای به تاریخ ۳ شهریور ماه ۶۰ ضمن افشای توطئه های باند قاسملو و عوامل ضدانقلاب در کردستان و نوار مرزی ایران و ترکیه ، چگونگی همکاری پیشمرگان مدافع انقلاب و پاسداران و سربازان در برخورد با ضدانقلابیون را شرح داده و این اقدام مشترک را آغاز فصل نوبتی در تحکیم اعتماد متقابل نیروهای مدافع انقلاب و همکاری میان آنان به شمار آورده است . در پایان این اعلامیه از پیشمرگان صادق ولی ناآگاه و فریب خورده که در دام ضدانقلاب به ویژه باند قاسملو افتاده اند و به مجری توطئه های آنان بدل گشته اند خواسته شده است به صفوف نیروهای انقلابی بازگردند .

## از میان نامه ها

## حرف های زحمتکشان

یک کارگر مشهدی :

مردم مشهد از دست ضدانقلابیون افغانی به ستوه آمدند

با درود بی پایان به شما رزمندگان اصیل راه طبقه کارگر

من یک کارگر ساکن شهر مشهد هستم . می خواهم با شما کمی درد دل کنم و از مشکلاتی که برایم به وجود آمده حرف بزنم . حتماً می دانید که در شهر ما صدها هزار افغانی زندگی می کنند که بیشترشان به کارهای ساده بخصوص کارهای ساختمانی مشغولند . علاوه بر کارهای ساده ساختمانی افغانی ، مهاجر به کارهایی از قبیل قاچاق فروشی ، دزدی و حتی آدم کشی هم دست می زنند و تاکنون چندین مورد را خودم شاهد بودم .

باید عرض کنم که اینها به کارگران ساده خیلی ضرر می زنند . شما حتفاً می دانید که افغانی ها برای این که کاری در ایران دست و پا کنند تا بتوانند در اینجا بمانند پول کم تری از صاحب کار می گیرند در نتیجه صاحب کارها آنها را به ما کارگران ایرانی ترجیح می دهند .

آخر اگر این افغانی ها اهل کار کردن و زندگی شرافتمند بودند در آب و خاک خود می ماندند و برای خودشان کار می کردند . اما حقیقت این است که اکثر این افغانی ها آدم های ناپاب و نادرستی هستند و خود را به عنوان کارگر در کشور ما جا زده اند و در پوشش کار کردن به هزاران جنایت دست می زنند . آیا هنوز وقت آن نرسیده که دولت جمهوری اسلامی دست از حمایت این قبیل اشخاص بردارد و همه آنها را روانه کشور خودشان سازد ؟

باور کنید که در شهر ما مشهد روزی نیست که اینها دست به جنایت و دزدی نزده باشند . صورت دزدی ، مرتب قاچاق فروشی و ... صورت می گیرد . تازه آخر ما یک مملکت در حال جنگ هستیم و به زور می توانیم چیزهایی را که خودمان لازم داریم تهیه کنیم تا چه برسد به این همه افغانی که مملکت خود را رها کرده و آمده اند سرباز ماشده اند . مردم کشور ما با عراق نوکر آمریکا در جنگند آیا سزاوار است که با این همه گرفتاری و مشکلات عده ای بیگانه و عاقل و باطل از مملکت خود فرار کنند و به کشور ما بیایند تا آزادانه به دزدی و غارت و جنایت دست بزنند و کسی هم نباشد که به آنها حرفی بزند ؟

اگر دولت جمهوری اسلامی دست از حمایت اینها برندارد باور کنید هر روز این افغانی های مخرب دست به کارهای بدتری خواهند زد که هیچ ، بیکاری هم زیادتر خواهد شد .

آیا درست است که من و امثال من که یک عمر با شرافت و صداقت نان درآورده ایم و عمری را پشت سر گذاشته ایم سرگردان بمانیم و حتی یک لقمه نان شب نداشته باشیم که شکم بچه های کوچکمان را سیر کنیم ، آنوقت عده ای جانی از مملکت خود فرار کنند و حق ما را صاحب شوند .

با درودهای فراوان  
مشهد - کارگر ساختمانی بیکار



### از میان اعلامیه‌ها و نشریات شاخه‌ها و هواداران سازمان

رفقای شاخه خراسان تراکتی با این مضمون تشر کرده‌اند:

برداشت هر پشته گندم قدمی است در جهت خودکفائی و استقلال و مشت محکمی است بردهان امپریالیسم آمریکا. در فصل برداشت محصول با تمام قوا به یاری زحمتکشان روستا شتابیم.

### امریکا صدام را در تجاوز علیه جمهوری اسلامی ایران یاری میدهد

کرمانشاهان - هواداران منطقه کرمانشاهان تراکتی در رابطه با جنگ تحمیلی با عنوان فوق منتشر کرده‌اند که در کنار آن کاریکاتوری از صدام چاپ نموده‌اند. مضمون تراکت چنین است:

"یک سال از شروع جنگی ناخواسته که امپریالیسم آمریکا توسط رژیم ضد مردمی صدام به ما تحمیل نمود می‌گذرد، در این یک سال زحمتکشان با ایثار و فداکاری و حماسه‌آفرینی برای دفاع از انقلاب در رسیدن به صلحی عادلانه، در جبهه و پشت جبهه تا پای جان به دفاع از میهن انقلابی و حکومت اسلامی برخاستند. اینک در آستانه بزرگداشت سالگردین مقاومت قهرمانانه، بگوئیم تا با درهم شدن بیش از پیش صفوف خود، یاد آرمان شهدای جنگ تحمیلی را گرامی بداریم و با عواب‌گویی به خواست‌های اساسی گوناگونیان و رنج‌آوارگی و بار اصلی جنگ را نیز آنها به دوش کشیده‌اند مشت محکمی به دهان امپریالیسم بگوئیم."

### تشکیل شورای اسلامی نظارت رامور بهداشت و درمان، گامی است در جهت خواست زحمتکشان

فارس - اخیرا در پاسخ به نیازهای بهداشتی- درمانی اقشار محروم شورائی به نام شورای اسلامی نظارت بر امور بهداشت و درمان در استان فارس تشکیل گردیده‌است. در این رابطه شاخه فارس اعلامیه‌ای منتشر نموده است که در ضمن تأیید این عمل انقلابی از تمامی شکان مترقی و مردمی خواسته است که در همه محل و برنامه‌هایی که به مردمی شدن طب ری می‌رساند فعالانه شرکت کنند. در بخشی این اعلامیه اقداماتی که شورا را در هدف‌های مردمی خود یاری می‌رساند اشاره شده و به تیب چنین آمده است:

- ۱ - گوشش در جهت یک‌گاسه کردن همه گانات درمانی و بهداشتی استان.

- ۲ - توزیع مجدد امکانات از جمله درمانگاه‌ها بیمارستان‌ها و داروخانه‌ها برای پوشش محلات و مناطق محروم.
  - ۳ - اجرای واکسیناسیون دقیق، پیگیراند و طبق برنامه.
  - ۴ - به‌کارگیری و استفاده از کلیه پزشکان متعهد و یاری جستن از دانشجویان و نیروهای داوطلب مردمی.
  - ۵ - کوتاه کردن دست سرمایه‌داران از امر توزیع دارو در منطقه و تکیه بر شوراهای متشکل از زحمتکشان این حرفه.
  - ۶ - تنظیم و کنترل نرخ‌ها و کیفیت بیمارستان‌های خصوصی و محول کردن بخشی از بار فوریت‌های پزشکی به آنان.
- در پایان تصریح شده است که "هرگونه کم‌کاری، اخلال و ناراضی‌تراشی بد عنوان واکنشی در مقابل اقدامات شورا صورت بگیرد محکوم کرده و شورا را نسبت به آن هشدار می‌دهیم."

### با فروش مازاد محصول به دولت دست واسطه‌های مفت خور را کوتاه کنید!

مازندران - شاخه مازندران سازمان تراکتی خطاب به کشاورزان انتشار داده‌اند که بخشی از این تراکت حاوی رهنمودی به کشاورزان می‌باشد و در بیان اعلامیه چنین آمده است: "با توجه به وعده دولت مبنی بر کمک و مساعدت به کشاورزان در زمین‌های کشاورزی از جمله تیلر، کود، سم، بذر، وام زراعتی و معیشتی و مایحتاج زندگی جای آن دارد که مازاد محصول خود را به مراکز خرید دولتی عرضه نمائید."

### روستائیان خسارت دیده در انتظار کمک فوری دولت هستند

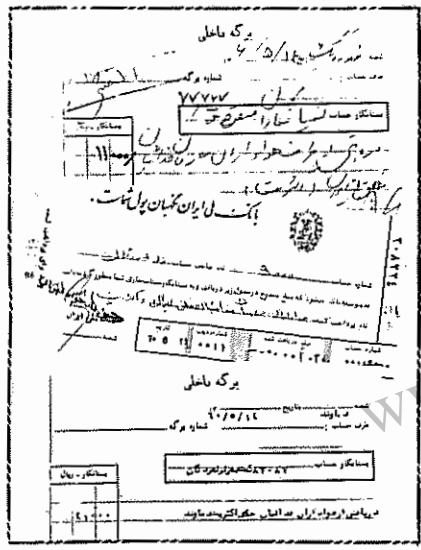
خراسان - اثرات دراز مدت بارندگی‌های شدید شمال خراسان سبب ایجاد ضایعات و

تلفات فراوانی در محصول انگور این منطقه خصوصا در شهرهای بجورد، سروان، درگز و فوجان گردیده است. هزاران روستایی که از این راه کدوران زندگی می‌کند خسارت فراوانی دیده‌اند.

شاخه خراسان تراکتی با عنوان فوق در این رابطه منتشر نموده است که در آن تصریح شده است: "روستائیان خسارات دیده خواهان پرداخت وام بلاعوض و یا هرنوع کمک دیگری از سوی دولت هستند تا بتوانند خسارت وارده را جبران نمایند."

### کمک به زلزله زدگان

به دنبال فراخوان گسترده ر همدان سازمان در رابطه با همیاری زلزله‌زدگان، هواداران سازمان در اصفهان و صدر ریگ و دماوند، هساند دیگر رفقای سازمان از دورافتاده‌ترین روستا تا رفقای خارج از کشور، به کمک زلزله‌زدگان اخیر شتافتند.



### دست‌های پینه بسته

بقیه از صفحه ۸

ذکر است که اراضی بند الف بدون صرف هزینه سنگینی برای احیاء و عمران آن توسط دهقانان برای آنان قابل استفاده نمی‌باشد. اراضی بند (ب) که شامل اراضی مصادره شده توسط دادگاه‌های انقلاب می‌شود عموماً در اختیار دولت و نهادهایی چون بنیاد مستضعفین و جهاد سازندگی قرار داشته و اراضی کشت و صنعت‌ها باغات و واحدهای مکانیزه وسیع را دربر می‌گیرد این واحدهای مکانیزه باید همچون واحدهای صنعتی ملی شده در اختیار ارگان‌های دولتی قرار داشته باشند. گذشته از این واحدهای مکانیزه اراضی ناچیزی مشمول بند (ب) قانون اصلاحات ارضی قرار می‌گیرند. بسیاری از زمینداران بزرگ نه فرار کرده‌اند و نه دادگاه‌های انقلاب اراضی آنها را مصادره کرده است. همچنین اراضی مشمول بند (ج) این اراضی نیز نه به‌میزانی است که واگذاری آن نقشی در حل مسئله ارضی داشته باشد و نه دایر کردن آنها در

بسیاری موارد از عهده دهقانان فقیر برمی‌آید. بنابراین تنها راه ایجاد تحولی بنیادی در امر مالکیت زمین به سود دهقانان زحمتکش و واگذاری ۳/۵ میلیون هکتار اراضی متعلق به زمینداران بزرگ است که مشمول بند "د" قانون اصلاحات ارضی می‌شود.

به اعتقاد ما باید در لایحه اصلاحات ارضی با صراحت تمام واگذاری اراضی کلیه زمینداران بزرگ کنج‌ننده شود تا جامعیت قانون حفظ و راه فرار برای زمینداران بزرگ و فئودال‌ها باقی نماند. هرچند قوانین باید انعطاف لازم را برای تطبیق مناسب و اصولی با شرایط مشخص داشته باشند ولی این امر به هیچ‌وجه نباید جامعیت قانون را مخدوش ساخته و از صراحت آن جلوگیری کند.

ما امیدواریم که هیئت دولت جمهوری اسلامی و مجلس شورای اسلامی با توجه عمیق به منافع دهقانان زحمتکش و ضرورت از بین بردن نفوذ اقتصادی و سیاسی زمینداران بزرگ و فئودال‌ها این وابستگی به امپریالیسم، گام مهمی جهت تحقق خواست دهقانان زحمتکش و تحکیم دستاوردهای انقلاب به پیش بردارند.

## مردم میهن ما تا قطع کامل سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

### ضد انقلاب را افشاء کنیم (۱۹)

### توطئه‌ها و دسائیس ضد انقلاب در استان فارس و کهگیلویه و بویراحمد

از میان ضدانقلابیون منطقه فارس باید اردوی خوانین قشقایی بسرکردگی خسرو و ناصر قشقایی را مورد توجه جدی‌تر قرار داد.

خسرو و ناصر قشقایی به عنوان دو عنصر سرسپرده امپریالیسم آمریکا، چند روز پس از انقلاب وارد ایران شدند. آنها که سالها در آمریکا و اروپا به خدمتگزاری اربابان خود مشغول بودند، موظف گردیدند تا به عنوان پایه‌گذاران یک تشکل سیاسی - نظامی ضدانقلابی در منطقه فارس امر ارتباط و هماهنگ ساختن خوانین، بزرگ‌مالکان، ساواکی‌ها، سران مزدور ارتش و دیگر سرسپردگان به رژیم گذشته و وابستگان به خوانین را عهده‌دار شوند.

این مزدوران از همان ابتدا ضمن ایجاد و برقراری تماس با عناصر ضدانقلابی در منطقه، به سازماندهی ارتباطات خود با عناصر سرسپرده در درون دستگاه‌های دولتی و خارج از مرزها پرداختند و در تابستان سال ۵۸ با مسافرت به آمریکا و دستور گرفتن مستقیم از اربابان امریکائی و مشورت با بختیار و دیگران در خارج از کشور و تماس با بنی‌صدر معزول و مدنی مهره سرشناس آمریکا در داخل کشور شروع به توطئه‌چینی علیه انقلاب و زحمتکشان عشایر کردند.

آنها تشکل ضدانقلابی خوانین خسرو و "اردوی خوانین" را ایجاد و از حمایت بلاواسطه فرماندهان سرسپرده ژاندارمری و ارتش و شهربانی در منطقه برخوردار گردیدند و سپس دست به تبلیغات در میان توده محروم و زحمتکش عشایر زدند و خود را حامی انقلاب، نماینده امام، مسئول امنیت و انتظامات منطقه و... معرفی کرده و چنین تبلیغ کردند که ما با امام قرارداد بسته‌ایم!!

### نفوذ در ارگانهای دولتی تاکتیک خوانین قشقایی

این مزدوران حلقه به‌گوش آمریکا با فریبکاری و حيله‌بازی خود را حامی انقلاب جا زده بودند و چنین وانمود می‌کردند که اگر در حکومت قدرتی پیدا کنند، برای زحمتکشان عشایر چنین و چنان خواهند کرد و کوشیدند تا خود را برای اشغال پست‌هایی چون استانداری، نمایندگی مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی آماده کنند و سپس با انتشار اعلامیه‌ای به ستاد مشترک نیروهای ارتش جمهوری اسلامی اعلام کردند که آماده جنگ با صدام هستند!! اما وقتی این حيله مکارانه آنان کاری از پیش نبرد، هبایو به پا کردند که حکومت برای عشایر نمی‌خواهد کاری بکند و حکومت می‌خواهد توده عشایر را خلع سلاح کند و شروع به ارسال تلگراف و نامه به شخصیت‌ها و روحانیون لبرال و ضدانقلابی نمودند و خود را مظلوم و محق معرفی کردند.

سپس با کمک‌های مالی بنی‌صدر و سایر ضد انقلابیون برون مرزی و درون مرزی و دریافت اسلحه از طریق ارومیه، وارد کردن اسلحه از طریق دریا در منطقه "بیدخون"، ارتباط با ناوگان امریکائی از طریق جزیره مغان و شرکت در کودتای نوزده و... از نظر نظامی خود را سازماندهی کرده و به تظاهرات مسلحانه در شهر و پوسته‌های اطراف پرداختند.

هم‌اکنون یکی از تاکتیک‌های عملیاتی این مزدوران ایجاد و گسترش جو رعب و وحشت و ناامنی در روستاها و جاده‌ها، حمله به ماشین‌ها و مسافرین در جاده‌ها و گردنه‌ها و سرقت اموال مسافرین است. از طرف دیگر تلاش می‌کنند مابین طوایف فارس و ترک و لر در منطقه اختلاف بیندازند و عشایر فارس زبان و ترک زبان را علیه هم بشورانند.

"اردوی‌خان" با متشکل و هماهنگ کردن عناصر ارتجاعی و ضدانقلابی منطقه تشکیل جلسات ضدانقلابی مرکب از خوانین، کدخداهای ضدانقلابی و سایر سرسپردگان، ارتباط با فتووال‌های سیستان و بلوچستان، تماس با خوانین بختیاری و بویراحمد، جلسات مشترک با سران احزاب و محافل لیبرالی و تماس و ارتباط با دیگر متنفذین محلی برنامه‌های ضدانقلابی خود را با سیاست‌های امپریالیسم آمریکا هماهنگ و به موازات آن دست به اقدام علیه انقلاب و توده‌های زحمتکش عشایری زدند.

### تقسیمات اردوی خان

در تاریخ ۲۶ خردادماه سال جاری سه نفر از طرف بنی‌صدر و یک نفر به نام "رضا" از طرف خواهر خسرو قشقایی وارد اردوی خوانین می‌شوند و روز بعد به تهران بازمی‌گردند. پس از رفتن این اشخاص در اردو تقسیماتی انجام می‌گیرد و قرار می‌شود که خسرو قشقایی در مهکویه بماند، عبدالله قشقایی به طرف دارنگان در ۳۰ کیلومتری غرب شیراز برود و داریوش پسر خواهر خسروخان به طرف طایفه گله‌زن و سرخی در حوالی جوکان در سرراه میمند حرکت کند.

در همین روزها نیز ناصر خان قشقایی با تعدادی تفنگچی به طرف موسیخان در شرق کازرون حرکت می‌کند و نزد فردی به نام "حاج عیوض‌قلی" که از خوانین بنام کوهمرای است، می‌رود.

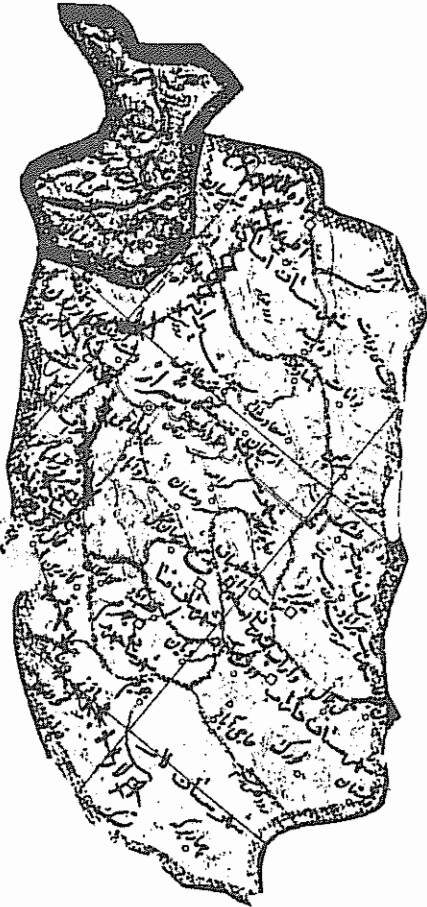
همچنین "جهان‌پولاد کشکولی" با تعدادی تفنگچی به طرف جنوب فیروزآباد و "شهباز زرغامی" از خوانین متنفذ بویراحمد که تعدادی از تفنگچی‌هایش هنوز دز اردو می‌باشند، به طرف یاسوج حرکت می‌کنند. "خسروریگی" از ضد انقلابیون سیستان و بلوچستان نیز در تاریخ ۲۸ خرداد به اردوی خان می‌آید. در سرحد چهار دانگه از توابع اقلید عناصر و دستجات مسلح مزدور وابسته به ناصرخان و خسروخان مستقر شده‌اند.

در نورآباد ممسنی نیز گروهی از عوامل خوانین قشقایی که مسلح می‌باشند در کوه "درا" ساکن هستند. در یاسوج ضدانقلابیون به سرکردگی امیر هوشنگ‌بهادر یکی از مهره‌های سرشناس کودتای نافرجام نوزده سازماندهی می‌شوند و سروان باقری فرمانده گروهان ژاندارمری یاسوج به عنوان کارچاق‌کن و عامل خوانین در منطقه فعالیت می‌کند.

در همین رابطه عناصر خودفروخته ساواکی از جمله محمدحسن فروتن (زمیندار بزرگ و ساواکی معروف)، ثانی‌فروتن (برادر محمدحسن فروتن)، ثابت و مهدی قلهپیری ضمن تماس با مزدوران خارج از کشور مشغول سازماندهی عناصر مزدور خود در منطقه می‌باشند.

### همکاری حزب امریکایی رنجبران با اردوی خوانین

عناصر به اصطلاح مرکزیت حزب امریکائی رنجبران از مدت‌ها پیش در اردوی خوانین حضور



داشتند و از همکاران صدیق و نزدیک خوانین به شمار می‌روند. رنجبری‌های امریکائی در عملیات راهزنی و سرقت‌های مسلحانه ایجاد ناامنی در جاده‌های ارتباطی شهرهای استان فارس شرکت فعال دارند. برای مثال در سرقت مسلحانه جاده فیروزآباد - فراهین در مردادماه سال جاری که در جریان مقابله سپاه پاسداران با مهاجمین، دانشجوی سال اول دانشگاه شیراز وابسته به رنجبر نیز کشته شد. گروه مهاجمین از وابستگان به گروه امریکائی رنجبران به فرماندهی ابوالفتح نجفی استاد دانشگاه تهران و مشهد در رژیم گذشته بوده‌است.

ایرج‌خان کشکولی یکی از سران و مسئولین گروهک امریکائی - مائوئیستی رنجبر، بین اردوی ناصرخان در موسیخان و اردوی خسروخان در مهکویه در رفت و آمد می‌باشد. وی به وسیله وابستگان خود در اردوی خان، در جریان عملیات راهزنی گروه‌هایی که بدین امر اقدام می‌کنند، قرار دارد. قباد کشکولی رنجبری دیگری است که به همراه مزدوران خود، همزمان با سرقت‌های مسلحانه راه‌های جهرم - خنج در کوه های بی‌دنا در طایفه مصلو اطراق کرده‌است. همچنین "جهان‌پولاد کشکولی" یکی دیگر از مهره‌های امریکائی رنجبران با مزدوران خود در کوه "لار" رفت و آمد می‌کند. گاوه پسر بیات (بیات نام یکی از طایفه‌ها نیز می‌باشد) و عطا حسن‌آقائی کشکولی از دیگر سران رنجبری در اردوی خان می‌باشند.

هم‌اکنون گروهک امریکائی رنجبران با نیروی خود در ارتباط نزدیک با اردوی خوانین می‌باشد و سیاست‌های خود را با کمک خسروخان قشقایی به اجرا درمی‌آورد. رنجبری‌های امریکائی بطور فعال در حرکات ... بقیه در صفحه ۱۵

ضدانقلاب را افشاء کنیم ...

بقیه از صفحه ۱۴

... ضدانقلابی خوانین شرکت

دارند و تنظیم کننده برنامه‌های اردوی ضدانقلاب در منطقه می‌باشند.

## ضدانقلاب در فیروزآباد

جلال و تیمور گورگانی پسران نجیب‌گورگانی از جمله افراد ضدانقلابی در منطقه فیروزآباد فارس می‌باشند. آنها در رژیم گذشته از فعالین ساواک در منطقه بودند و در دوران انقلاب با حمله به پاسگاه پلیس فیروزآباد تعدادی سلاح به دست آوردند.

این مزدوران ارتباط نزدیکی با اردوی خان دارند و با اجازه مستقیم ناصر و خسروخان قتل و غارت زحمتکشان می‌پردازند پس از کشته شدن سهراب‌خان کشکولی، سپاه پاسداران منطقه به تعدادی از عناصر وابسته خود تأمین جانی خواهند داشت جلال و تیمور گورگانی نیز از این فرصت استفاده کرده و ظاهراً خود را هوادار جمهوری اسلامی معرفی و تأمین دریافت کردند. ولی پس از مدتی ضمن دریافت بی‌الغی وام مجدداً به اردوی خان پیوستند.

## ضدانقلاب در منطقه لارستان

در شماره‌های گذشته کار گفتمیم که "طراحان سیاست‌های امپریالیستی یکبار دیگر مسئله به اصطلاح شیعه و سنی را پیش کشیدند بدین امید که از طریق این حیلۀ قدیمی بتوانند گروه‌های مختلف مردم را پراکنده ساخته و در برابر هم نزار دهند و نیز گفتمیم که همزمان با تشکیل کنفرانس طائف کیسینجر صهیونیست، طرح نوق را رسماً اعلام کرد و گفت: "... با همکاری پاکستان باید آمریکا و دوستانش پیشقدم شوند و به کمک اهل تسنن در نقاط سنی‌نشین خراسان، لارستان و بندرعباس، ایجاد اغتشاش کنند و یک جمهوری اسلامی بلوچ تشکیل دهند." !!

منطقه لارستان (اوز، لار، خنج ...). در وضعیتی است که بخشی از مردم منطقه مانند ساکنین لار، گراش و ... شیعه مذهب و بخش دیگر مانند ساکنین اوز، خنج و ... سنی‌مذهب می‌باشند.

مسئله اختلاف بین شیعه و سنی نیز در منطقه آرای زمین‌های تاریخی است و در گذشته گاهی نیز به تقابل و رو در روئی این دو بخش منجر زده شده است و آنچه قابل توجه می‌باشد، نسبتی مناطق سنی‌نشین با یکدیگر است. طوریکه می‌توان گفت اگر در یک بخش بر سر مسئله شیعه و سنی اختلاف درگیرد، خیلی سریع بعد از این درگیری به تمام نقاط منطقه سرایت می‌کند.

## حیلۀ آمریکا برای ایجاد اختلاف

### بین شیعه و سنی

بر اساس زمینه فوق اخیراً حرکتی از جانب ضدانقلابیون دست‌آموز آمریکا در منطقه مشاهده شده است که دورنمای ایجاد تشکل ضدانقلابی در بین مردم مناطق سنی‌نشین و ایجاد درگیری را برپا دارد. در ماه‌های اخیر اقداماتی از جانب

## ۳۰ سال مبارزه ...

سیاست ایران شده بود، برای سرکوبی جنبش گیلان و برقراری یک دولت مقتدر و متمرکز ارتجاعی در میهن ما - که بتواند یکی از حلقه‌های محاصره حکومت کارگران و دهقانان شوروی باشد - همواره مترصد فرصت بود امپریالیسم حیلۀ انگلستان یا تجارب فراوانی که از سرکوب مردم جهان داشت به‌خوبی می‌دانست که این فرصت تنها زمانی دست خواهد داد که انقلابیون دچار تفرقه و پراکندگی شوند. عمال امپریالیسم که به‌ویژه در اطرافیان کوچک خان نفوذ کرده بودند با تمام قوا برای دامن‌زدن به تشنج و اختلافات موجود می‌کوشیدند. از میان برداشتن حیدرخان به عنوان وحدت دهنده نیروهای انقلاب حلقه مرکزی توطئه آنان را تشکیل می‌داد. بر اساسی تحریکات همین عوامل و بر بستن تمایلات تنگ‌نظرانه و

محافظه‌کارانه کوچک خان در مهر ۱۳۰۰ جنگلی‌ها، ناجوانمردانه حیدرخان انقلابی بزرگ ایران را به شهادت رساندند. مرگ حیدرخان در جنگل‌های پسیخان در حالی آخرین رشته‌های الفت و دوستی بین انقلابیون گیلان را گسست که هیچ‌کدام از رهبران موجود قادر به ادامه نقش حیدرخان در ایجاد پیوند بین انقلابیون گیلان نبودند. مرگ حیدرخان آن فرصت طلایی بود که امپریالیسم انگلستان از آن استفاده کرد. قوای دولتی به سرکردگی رضاخان به گیلان لشکرکشی کرده و آخرین بقایای مقاومت را - در اوج پراکندگی مدافعان جمهوری - درهم شکسته و سراسر گیلان را به تصرف درآوردند. با سرکوب جنبش در گیلان شعله‌های مقاومتی که از زمان انقلاب مشروطه زبانه کشیده بود رو به خاموشی رفت و امپریالیسم انگلستان

۱۸ تا ۲۰ روحانی و غیرروحانی از مناطق و شهرستان‌های مختلف به "اوز" آمدند و مردم را به اجتماع در مساجد و استماع سخنان خود فرا خواندند. آنها در مسجد جامع شهر در رابطه با گروه و اهداف خود گفتند: "اسم گروه ما جماعت تبلیغ" است که در ابتدا حدود ۷۰ سال پیش در هندوستان تاسیس شد و سپس مرکز آن به پاکستان انتقال یافت. از این مرکز، جماعت برای تبلیغ عازم نقاط گوناگون از جمله آمریکا می‌شوند. این گروه در صحبت‌های خود صریحاً از حکومت ژنرال آمریکائی ضیا الحق پشتیبانی کرده و آمادگی خود را برای کمک به آنها اعلام داشته‌اند و گفتند "پاکستان در حدود سه سال پیش ویرانه‌ای بیش نبود ولی اکنون بطور کلی وضع عوض شده و حکومت مناسبی بر سر کار آمده است."

همچنین از مردم دعوت کرده‌اند تا خود و فرزندان‌شان برای آموزش در پاکستان ثبت‌نام کنند تا به‌وسیله آنها ترتیب اعزامشان داده شود. برای جذب نیرو اعلام کردند که به هر کس ثبت نام کند، ۵ هزار تومان پول می‌دهیم و بدون پاسپورت او را به پاکستان می‌فرستیم تا در آنجا دوره چهارماهه یا یکساله آموزش را طی کند. با توجه به موارد فوق، برای مقابله با اینگونه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و نوکرانش، در برابر انقلاب و جمهوری اسلامی، مقامات مسئول دولتی و منطقه باید:

- ۱- مرزهای شرقی کشور را شدیداً مورد کنترل خود قرار دهند و از رفت و آمدهای عناصر ضد انقلاب و مجاهدین فراری افغانی جلوگیری به عمل آورند.
- ۲- دفاتر و مراکز تجمع و فعالیت این عناصر و جریان‌های ضدانقلابی و وابسته به امپریالیسم را هر چه زودتر تعطیل کنند.

"شورای مرکزی اهل سنت" (شمس) برای ایجاد شاخک تشکیلات خود در مناطق جنوبی صورت گرفته است و به همین خاطر سعی شده‌است تا "اوز" که مرکز سنی‌نشین‌های منطقه به حساب می‌آید، به عنوان مرکز انتخاب شود.

اقدامات آنها تاکنون شامل: ۱- بخش مرانامه و اساسنامه شمس، ۲- برقراری ارتباط با شیخ محمد فقیهی روحانی مرتجع این شهر، ۳- اعزام روحانیون و غیرروحانیون وابسته به خود تحت عنوان گروه "جماعت تبلیغ" به شهرها و روستاهای منطقه جهت ایجاد تفرقه بین مردم در اوایل خردادماه، تعداد زیادی از مرانامه و اساسنامه شمس توسط عناصر سرسپرده به رژیم گذشته، سرمایه‌داران و ... بین مردم شهرستان "اوز" توزیع شده و مردم سنی‌مذهب را به پذیرش و همکاری با این تشکل ضدانقلابی دعوت کردند ولی مردم زحمتکش و آگاه منطقه به ماهیت این ضدانقلابیون پی برده و از آن استقبالی نکردند.

اقداماتی که شیخ محمد تاکنون بدان دست زده است از ارتباط فعال و پوشیده‌وی با شمس پرده برمی‌دارد. وی در اوایل تیرماه به منطقه "اوز" آمده و در طول اقامت خود به روستاهای اطراف رفته و میان مردم شیعه و سنی مناطق دست به تبلیغ علیه یکدیگر زده است. از دیگر اقدامات شیخ محمد می‌توان انتخاب یک مجاهد افغانی عضو حرکت اسلامی را به امام جماعت یک مسجد نام برد.

این مجاهد افغانی! اخیراً در یک هتل اقدام به ایجاد "دفتر نمایندگی حرکت اسلامی" کرده است و در بین افغانی‌های ساکن در منطقه رفت و آمدهای زیاد و تماس‌های مشکوکی دارد. در نیمه دوم تیرماه سال جاری هیئتی مرکب از

## بسیج توده‌ای ضامن موفقیت مبارزه بایسوادگی

### آیا طرح بسیجی سوادآموزی پاسخگوی نیازهای انقلاب است؟

« در کوبای انقلابی برای تأمین آموزگاران مورد نیاز، به دعوت دولت صدها هزار معلم دانشجو، دانشآموز و غیره از کودکی هشت ساله تا زنی صدوسی و شش ساله آمادگی خود را اعلام داشتند و این خیل عظیم که نیرو و توانشان را در اختیار انقلاب قرار داده بودند، با برنامه‌های منظم و از پیش تدوین شده تحت نظارت دولت با شعار طرح شده از طرف رهبر انقلابشان که می‌گفت: "آن که نمی‌داند بیاموزد و آن که می‌داند بیاموزاند." به حرکت درآمدند.

نقصیه مؤثر باشد، گسترش مدارس روستایی و ایجاد مدارس حرفه‌ای و کشاورزی در روستاها و تأمین معلم برای آنان و استفاده از رسانه‌های گروهی و رادیو و تلویزیون از سایر ضروریات است. گرچه بسیاری از این نکات به نحوی از انحاء در طرح بسیج سوادآموزی گنجانده شده است، با این همه در این مورد نیز معیار مکتبی محصلین از گستردگی و فراگیری آنها به طور چشمگیری کاسته است.

#### بازهم از تجارب جوامع انقلابی بهره گیریم!

در بسیاری از کشورهای انقلابی به ویژه در آنهایی که مبارزه پیروزمندانه برای ریشه‌کن کردن بیسوادگی صورت گرفته است، بالا بردن سطح زندگی توده‌ها و فراهم آوردن بهداشت برای بیسوادان و مناسب کردن زمینه‌های مادی و رفاهی زندگی آنان عامل مؤثری در تشویق بیسوادان به شرکت فعال در مبارزه با بیسوادگی بوده است. به عنوان مثال: پس از معاینات اولیه پزشکی از بیسوادان در کوبا تعداد ۱۷۷۰۰۰ و در تانزانیا ۱۲۵۰۰۰ عینک رایگان در اختیار نیازمندان قرار گرفت. علاوه بر اینها اقدامات دیگری از قبیل توزیع رایگان لوازم التحریر پرداخت حق الزحمه کارگران در ساعاتی که به سوادآموزی اشتغال دارند و شرکت فعال معلمان در امور کشاورزی و تولیدی در کنار متعلمین در تشویق بیسوادان به سوادآموزی مؤثر بوده است. در کنار آن تبلیغات گسترده برای ترویج این امر که "سواد نیاز جامعه انقلابی و بیسوادی حاصل نظام طبقاتی و استعماری است و استفاده مکرر از تجربیات معلمان که به امر مبارزه با بیسوادی پرداخته‌اند در جهت بالا بردن کیفیت امر

و چه از میان بزرگسالانی که به آموزش نوین دست یافته‌اند و برای رسیدن به خودکفائی در این زمینه و بی‌نیاز شدن از متخصصان بیگانه - از هدف‌های درازمدت انقلاب است.

#### کتاب‌های درسی و لزوم توجه به فرهنگ خلق‌ها

علاوه بر آنکه گذشتند تحول در کتاب‌های آموزشی با توجه به نیازمندی‌های ادب بخصوص در زمینه آموزش بزرگسالان ضرورت اساسی دارد. این کتاب‌ها باید به گونه‌ای تدوین شود که هم‌انگیزه لازم برای فراگیری را در سوادآموزان ایجاد کند و هم در زمینه‌های مختلف تولیدی برای آنها مفید واقع شوند در تدوین کتاب‌ها باید ویژگی‌های ملی و فرهنگ و زبان خلق‌ها توجه شود. تأکید روی این نکته از آن جهت لازم است که درصد بیسوادی در میان ملیت‌های غیرفارسی بیش از سایر نقاط بوده و در عین حال آموزش به افراد غیرفارسی زبان، بخصوص در سنین کودکی تنها از طریق زبان مادری امکان پذیر است و این مسأله تاکنون مورد توجه مسئولین امر قرار نگرفته است.

#### توزیع برابر امکانات آموزشی

تقسیم امکانات آموزشی یکسان در سراسر کشور یکی دیگر از مسایل مبرمی است که باید به آن توجه جدی داشت. و یکی از دلایل بالا رفتن درصد بیسوادان آن است که هر ساله بسیاری از کودکانی که به سن تحصیل می‌رسند از دست‌یابی به امکانات آموزشی محروم می‌مانند، تقسیم یکسان آموزش می‌تواند در رفع این

تا زنی صدوسی و شش ساله آمادگی خود را اعلام داشتند و این خیل عظیم که نیرو و توانشان را در اختیار انقلاب قرار داده بودند با برنامه‌های منظم و از پیش تدوین شده تحت نظارت دولت با شعار طرح شده از طرف رهبر انقلابشان که می‌گفت: "آن که نمی‌داند بیاموزد و آن که می‌داند بیاموزاند." به حرکت درآمدند و چنان حماسه‌ای در بیکار با بیسوادی آفریدند که هنوز هم علیرغم گذشت سال‌ها، یادآوری آن برای امیرالیستی‌ها دردناک و برای انقلابیون جهان تجربه‌ای گرانقدر و افتخارآفرین به شمار می‌رود. اما طرح بسیجی سوادآموزی به جای بهره‌گیری از نیروی کلیه سوادآموزانی که در راه مردم و انقلاب گام می‌نهند، امر مبارزه با بیسوادی را نیز آشکارا یا تلویحاً در انحصار سوادآموزان مکتبی قرار داده است. طرح مزبور تلفی محدود و تنگ‌نظرانه‌ای از بسیج توده‌ای ارائه می‌دهد. در این طرح بدون آنکه شکل‌های توده‌ای مانند شوراهای کارگری و دهقانی را برای امر سوادآموزی به مدد بطلبد، بدون آنکه از تمامی ارگان‌ها و افراد با سواد و متعهد به انقلاب یاری خواهد، مبارزه با بیسوادی را فقط حق افراد مکتبی می‌داند.

#### لزوم گسترش مراکز تربیت معلم برای مبارزه با بیسوادی

تربیت گسترده و مداوم معلم، با توجه به درصد بالای بیسوادان و با در نظر گرفتن نیازهای انقلاب و لزوم بالا بردن "درجه سواد" توده‌ها و کوشش برای تربیت هرچه بیشتر متخصصان از زمینه‌های مختلف چه از میان محصلین که در مدارس آموزش می‌بینند

نزدیک به سه سال از انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن می‌گذرد. در این مدت شاهد پیشرفت‌هایی بوده‌ایم که بیانگر تعمیق روزافزون روند ضدامپریالیستی انقلاب است. در کنار این روند مهم و اساسی در برخی زمینه‌ها نیز شاهد نارسائی‌هایی بوده‌ایم که ادامه آنها اثرات زیان‌بار و مخربی را بی‌خواهد گذاشت. امروز مبارزه با بیسوادی مسئله‌ای بوده‌است که کمتر بدان توجه شده در صورتی که یکی از وظایف مهم انقلاب ما می‌بایست پاسخ‌گویی به این امر حیاتی باشد که به قول امام: "از جمله حواشیج اولیه برای هر ملت که در ردیف بهداشت و مسکن بلکه مهم‌تر از آنهاست آموزش برای همگان است." پیشبرد این امر انقلابی مستلزم وجود برنامه‌های جامع و عملی است که در خور نیازمندی‌های انقلاب عظیم مردم ما باشد. چنین برنامه‌ای علاوه بر طرح‌های درازمدت می‌بایست حاوی برنامه‌های میان‌مدت و کوتاه مدت و طرح‌های ضربتی باشد متأسفانه در گذشته به این امر خطیر توجه کافی مبذول نگردیده و آنچه در اطلاعات ۲۶ و ۲۸ شهریور تحت عنوان "طرح بسیجی سوادآموزی" از طرف نهضت سوادآموزی ارائه شده است با وجود نکته‌های امیدوارکننده و مثبت دارای ضعف‌ها و نقائصی است که ما به طور اجمال به برخی موارد مهم و کلی آن خواهیم پرداخت.

پس از تدوین برنامه‌های همه‌جانبه، برای پیاده کردن آن به نیروی عظیمی از آموزگاران مورد نیاز است. برای حل این مشکل تجارب انقلابی سایر خلق‌ها به ما می‌آموزد که انجام این وظیفه با اتکا به نیروی توده‌ها و بسیج توده‌های بخصوص با استفاده از معلمان و نیروی عظیم جوانان و دانش‌آموزان و سایر داوطلبان امکان‌پذیر می‌گردد.

تجربه کشورهایی که مبارزه پیروزمندانه در راه ریشه‌کن کردن بی‌سوادی را پشت سر گذاشته‌اند نیز مؤید صحت تاریخی همین راه حل است. در کوبای انقلابی برای تأمین آموزگاران مورد نیاز به دعوت دولت صدها هزار معلم، دانشجو، دانش‌آموز و غیره از کودکی هشت ساله

سوادآموزی از گام‌های مؤثر دیگری است که می‌تواند در این زمینه برداشته شود. در اینجا نظری به "طرح بسیجی سوادآموزی" نشان می‌دهد، اگر چه این طرح حاوی جنبه‌های مثبت و امیدوارکننده‌ای در برخی زمینه‌ها از جمله توجه به امر تبلیغات و متحول کردن کتاب‌های درسی و استفاده از صدا و سیما جمهوری اسلامی و رسانه‌های گروهی شده است لیکن در زمینه "جبریات" موانع و مشکلاتی بر سر راه بیسوادان در نظر گرفته است که بجای جذب آنها، بخصوص با توجه به ضعف‌های اجرایی مایه دلسردی بیسوادان خواهد شد. "اجبار" از قبیل خودداری از این گواهینامه، مختلف به بیسوادان، عدم پرداخت وام و نپذیرفتن آنها در سندیکاها و تشکلهای صنفی خاصشان! و محروم ساختن آنها از حق بیمه و عضویت در شرکت‌های تعاونی... بخش وسیعی از بیسوادان را که عموماً از زحمتکشان جوامع هستند از بسیاری حقوق قانونیشان محروم خواهد ساخت. برآستی، چگونه می‌توان کارگر و دهقان یا هر زحمتکش دیگری را به "جرم" بیسوادی از پیوستن به تشکیلی محروم کرد که خاص خود اوست و در آنجا مبارزه برای حقوق صنفی و قانونی وی و از جمله مبارزه با بیسوادی باید صورت گیرد! اکنون که مبین انقلاب ما با جمعیت عظیم بیسوادان که ۶۵٪ کل جمعیت ایران را تشکیل می‌دهد (در روستاها ۸۲ درصد و در میان زنان روستائی ۹۳ درصد) جای آن است که مسئولان آموزش و پرورش و جهاد و نهضت سوادآموزی به این امر خطیر با عمق بیشتر بیندیشند و به‌خاطر داشته باشند که با نگرش یکجانبه و تنگ‌نظرانه و به تبع آن عدم برنامه‌ریزی و استفاده نکردن از همه نیروهای مردمی و انقلابی هرگز زمینه لازم برای تحقق اصل سیام قانون اساسی را فراهم نخواهد کرد. کوشیم با اتحاد همه نیروهای مؤمن به انقلاب تمام نیروهایمان را در راستای باسواد کردن همگان به کار ببریم و ایمان داشته باشیم که با برنامه‌ریزی علمی و همه‌جانبه و اتکا به نیروی لایزال مردم پیروز می‌شویم.



# راه را بر نفوذ اسلام امریکایی ببندید

• ما نباید خیال کنیم این همه ثروت‌های مالکین شرعی است

(از سخنان نمایندگان مجلس خطاب به شورای نگهبان)

نشده است. به همین دلیل نیز امروز دوره بیشتر وجود ندارد. راه اول: بستن تمام راه‌های نفوذ "اسلام امریکایی" و حذف بی‌تزلزل تمام موانع و سدهائی که از طرف این "اسلام" برای جلوگیری از پیشرفت انقلاب ایجاد می‌شود، یعنی راه انقلاب و پیشرفت آن. راه دوم: تزلزل در برابر توطئه‌ها و تهدیدات "اسلام امریکایی" و در نتیجه غفلت از حقوق اساسی زحمتکشان و صرف نظر کردن از اهداف مردمی "انقلاب" و میدان دادن به اسلام انورالسادات‌ها، ضیالاحق‌ها و همپالکی‌های داخلی آنان یعنی راه دشمنان. راه شکست انقلاب مردم ایران: متأسفانه انقلاب علیرغم وارد ساختن پاره‌های ضربات به این ترفند امپریالیستی، نتوانسته است به مقابله جدی با این نوع "اسلام خواهی" که هنوز در میهن ما، به اشکال گوناگون به نقشی‌تریز کننده خود در برابر انقلاب ادامه می‌دهد، برخیزد. امروز درک این نکته بسیار مهم است که بدانیم "اسلام امریکایی" تنها از طریق محافل و کانون‌های مستقیم و شناخته شده پیشین عمل نمی‌کند، بلکه عمدتاً می‌کوشد از طریق تحت تأثیر قرار دادن بعضی ارگان‌های جمهوری اسلامی، سیاست‌های ضدانقلابی خود را القاء کند. در واقع "اسلام امریکایی" بستر مناسب برای پیشبرد اهداف خود را در آنجائی می‌یابد که "اسلام" بدون در نظر گرفتن حقوق و منافع توده‌های میلیونی زحمتکشان، تنها در عبادات و نماز و روزه و برخی تفاسیرات مستکبر پسند خلاصه شده

در نهایت انقلاب را دچار شکست سازد. اسلام امریکایی اخیراً نیز، با درک خطر پاسخ‌گوئی به خواست‌های اساسی زحمتکشان از سوی دولت جمهوری اسلامی، بردامنه فعالیت‌های سد کننده و مخرب خود به شدت افزوده است. در همین رابطه است که "امام خمینی" در یکی از آخرین نطق‌هایشان به درستی می‌گویند که: "اسلام شناسی تقریباً رو به تورم است خوب، صدام هم اسلام شناس شده است. آقای سادات هم جزو اسلام شناس‌هاست که تشخیص می‌دهد که فلان امر موفق است یا موفق اسلام نیست اخیراً آقای گارتر هم جزو اسلام شناس‌هاست. گارتر در جلسهای گفته بود این گارتهائی که در ایران می‌کنند موفق اسلام نیست... فردا بگین هم اسلام شناس می‌شود و شاید شده است و هی می‌گویند موفق اسلام نیست... البته آنها باید به ما فحش بدهند. اگر یک روز اینها برای ما خوب نوشتند، آن وقت هست که ما مصیبت داریم." به جرات می‌توان گفت که از پیروزی انقلاب تاکنون ایادی امپریالیست‌ها و لیبرال‌های "مسلمان" با استقبال از تفاسیر پاره‌ای از روحانیون طراز اول با آوردن ده‌ها آیه، حدیث و احکام از لابلای کتب اسلامی سد راه هر حرکت رادیکال انقلابی برای تعمیق و گسترش دست‌آوردهای انقلاب بوده و در کار خود هیچ پوششی موفق‌تر از پوشش "اسلام خواهی" نداشته‌اند و در بسیاری موارد پیروزی‌های بیشتر انقلاب، جز با افشاء و طرد بیش از پیش این نوع "اسلام" ممکن

امروز "اسلام امریکایی" که حامی منافع غارتگران، امپریالیزم و سرمایه‌داران و زمین‌داران وابسته به امپریالیزم است علیه اقدامات رادیکال و انقلابی دولت پیرو خط امام برخاسته و می‌کوشد با اقدامات بدکننده، بیش از هر زمان دیگر مانع از تعرض انقلابی به مواضع اقتصادی غارتگران گوتی به خواست‌های اساسی توده‌های میلیونی زحمتکشان گردد. پس از منهزم شدن جبهه ضدانقلاب در واقع ساعدترین و مناسب‌ترین وضعیت برای ارائه یک سیاست داخلی و خارجی رهاخته از ماهیت امپریالیستی و مردمی انقلاب فراهم آمد. چنین شرایطی، طبعاً می‌توانست اشکال مختلفی از مقاومت فعال امپریالیزم، ایادی و متحدین آن و نقطه "اسلام امریکایی" را به دنبال نداشته باشد. اقلیت این است که امپریالیزم به سرکردگی امپریالیزم آمریکا، از خستین روزهای پیروزی انقلاب شکوهمند مردم بر موازات سایر وطنه‌های خود، از به کار رفتن "اسلام امریکایی" نیز علیه اسلام مدافع متضعان غافل نبوده و استفاده از مدعیان این نوع "اسلام" (که برزنسکی گارتر آن را "اسلام سالم، سلام اساسی" می‌دانند) به در منطقه از قبیل یاه‌الحق‌ها و دستجات وریستی خوانین افغانی و ظایر آنان و چه در داخل تند "وعاظ‌السلطین" ها، خلق مسلمانان "ها"، برال‌ها و ماژوئیست‌های سلمان و روحانیون مرتجع نواره کوشیده است با سوء استفاده از ایدئولوژی مسلط رانقلاب، آن را از مسیر و مت‌گیری ضد امپریالیستی و دمی خود دور گرداند و

مردم زحمتکش و محروم بود از پایه مسخ گردید. و مورد مهم‌تر، همه می‌دانیم که مقاومت شورای نگهبان در برابر اجرای بند "ج" و "د" اصلاحات ارضی و نیز اجرای اصول ۴۴ و ۴۹ قانون اساسی مهم‌ترین مشکل قانونی برای اجرای این اصول ترقی‌خواهانه است.

متأسفانه تاکنون تقریباً هیچ‌موردی را نمی‌توان سراغ گرفت که شورای نگهبان در برابر لویح مترقی، موضع موافقت داشته باشد و همین امر باعث خوشحالی و امیدواری "اسلام امریکایی" و تحت حمایتش شده است. البته بحث بر سر نیت و انگیزه اعضای این شورا در مخالفت با قوانین و لویح مترقی و به سود انقلاب، نیست. مهم نتیجه حیاتی تصمیمات سرنوشت‌ساز شورای نگهبان و این واقعیت است که امروز "اسلام امریکایی" به مقاومت شورای نگهبان در برابر قوانین و لویح مترقی دل‌بسته است. "اسلام امریکایی" این‌گونه تبلیغ می‌کند که تفسیر شورای نگهبان از اسلام، از همه تفسیرهای دیگر درون جمهوری اسلامی به "اسلام" نزدیک‌تر است. در این‌جاست که باید به این سخن پرمعنی و هوشیارانه "امام خمینی" رهبر انقلاب، توجه کافی شود که: (البته آنها (اسلام امریکایی و تحت حمایتش) باید به ما فحش بدهند. اگر یک روز اینها برای ما خوب نوشتند، آن وقت است که ما مصیبت داریم")

و بی‌پرده نیست که یکی از نمایندگان مجلس در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جماعت چند هفته پیش در تهران، به درستی خطاب به شورای نگهبان هشدار داد:

"من از شورای محترم نگهبان و خصوصاً فقهای آن انتظار دارم که در تصویب و یا رد قوانینی که از مجلس گذشته است، هدف امام و مینش سیاسی امام را در نظر بگیرند. ما نباید خیال کنیم این همه ثروت‌های مالکین شرعی است."

# عرصه سیاست خارجی را از پیشداوریها بزدائیم

بدون هیچ تردیدی ، عرصه سیاست خارجی یکی از گسترده‌های حیاتی و بسیار مهم رویارویی جبهه انقلاب و ضدانقلاب است . نبرد انقلابی برای ریشه‌کن ساختن سیاست "گرایش به آمریکا" نه تنها در گره‌گاه‌هایی همچون اجرای عملی برنامه اصلاحات ارضی به نفع دهقانان محروم ، میهن ما ، اجرای اصول قانون اساسی در زمینه ملی کردن تجارت خارجی و ایجاد تعاونی‌های توزیع برای کوتاه کردن دست کلان‌سرمایه‌داران و محتکران و مفتخواران و به نفع طبقات محروم و زحمتکش میهن ما ، بلکه همچنین در زمینه تدوین و اجرای سیاست خارجی که یکی از عرصه‌های اساسی تعمیق انقلاب و رویارویی جبهه انقلاب و ضد انقلاب و جزء مکمل یک سیاست داخلی انقلابی و ترقی‌خواهانه است ، با شدت و حدت مشابهی از آغاز انقلاب تاکنون جریان داشته و همچنان دارد .

گام‌های مثبت و ضروری که اخیراً بخصوص پس از انتخاب وزیر خارجه در این عرصه برداشته شده به همان‌گونه که مسرت و شادی تمام کسانی را که قلبشان برای انقلاب می‌تپد برانگیخته است با خشم و کینه جبهه ضدانقلاب پسرگردگی آمریکا روبرو بوده است . این گام‌ها در شرایطی برداشته می‌شوند که عرصه سیاست خارجی انقلاب ایران از آغاز انقلاب تا همین اواخر عرصه تاخت‌وتاز بی‌رقیب امثال سنجابی‌ها ، سلامتیان‌ها ، یزدی‌ها ، قطب‌زاده‌ها و بنی‌صدرها بوده است که کوشش داشتند چرخ سیاست خارجی را در جاده "سازش با آمریکا" به چرخش درآورند . اما اکنون پس از اینکه این خط‌ضربات جدی‌ای محتمل شده است به گفته میرحسین موسوی وزیر خارجه "امروز خط‌گرایش به آمریکا در حال ریشه‌کن شدن است ، از اینرو در روابط خارجی خودمان خواهیم توانست از اصول مطمئن‌تر و مشخص‌تری پیروی نماییم" آقای موسوی این اصول را چنین مشخص می‌کند : مبارزه با آمریکا محور

اساسی سیاست خارجی و داخلی ایران است" و باید گفت دستاورد انقلاب در این عرصه از نبرد در همین سخن آقای موسوی بطرز برجسته‌ای ترسیم شده است .

برای اینکه این سیاست اصولی واقعیت باید گام‌های مثبتی برداشته شده اما هنوز راه درازی در پیش داریم . راهی که باید در مسیر خود تفاله‌های سیاست خط‌گرایش به آمریکا را بطور کامل بروید و این عرصه نبرد را به پیروزی قطعی بر تلفیقات و تبلیغات امپریالیستی و لیبرالی برساند .

## دروغ‌های مسموم لیبرالها

جبهه رویارویی انقلاب و ضدانقلاب به گستردگی سراسر گیتی است . اردوگاه واحد سوسیالیستی ، جنبش کارگران و زحمتکشان در کشورهای سرمایه‌داری غرب و جنبش‌های رهایی‌بخش ملی که همگی در اتحادی استوار در مقابل امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع جهانی صف‌آرایی کرده‌اند ، ارکان اصلی این جبهه‌اند . امپریالیست‌ها ، دوستان و همراهانشان بخصوص در سالهای اخیر که چهارده رسوایشان بیش از پیش برای خلقهای جهان افشاء شده است ، تلاش مذبحخانه‌ای را آغاز کرده‌اند تا اگر نمی‌توانند چهره گریه خود را آرایش کنند حداقل چهره دوستان جهانی انقلاب خلقها را به شائبه‌های غیر واقعی ، تحریف‌شده و جعل‌شده به وسیله مبلغین امپریالیسم بی‌الیند و جنبش‌های رهایی‌بخش را از کمک‌ها و مساعدت‌های این دوستان بی‌نصیب ساخته و با تضعیف آنها از این راه موجب شکست نهایی آنان را فراهم آورند . در راس تمامی این حملات اردوگاه سوسیالیستی و بخصوص اتحاد شوروی قرار داشته‌است توجه به تجربه دولت‌های ترقیخواه لیبی ، الجزایر ، یمن ، سوریه ، مصر ناصر و غیره می‌تواند برای ما مبین این واقعیات باشد که چگونه امپریالیسم در

تخریب روابط این کشورها با اتحاد شوروی و سایر کشورهای اردوگاه سوسیالیستی که ضامن استقلال و آزادی آنها بوده کوشا بوده است و هرچا که در تخریب این روابط موفق بوده توانسته است به انقلاب ضربات جدی وارد آورد . ترجیح‌بند همه این تبلیغات هم توسل به تز امپریالیسم ساخته "دوا بر قدرت" برای ایجاد انحراف در مسیر اصلی مبارزات خلقها ، ایجاد بدبینی نسبت به کشورهای سوسیالیستی و اتحاد شوروی و ... بوده است . روابط جمهوری دموکراتیک خلق‌گروه یکی از دوستان انقلابی در زمینه همکاری‌های همه‌جانبه با اتحاد شوروی که ضامن بقای استقلال این کشور و حفظ و تداوم آن بوده است مثال زنده‌ای است که پوسیدگی این عملیات را آشکار می‌سازد .

## دوستی یابدار گره و اتحاد شوروی

در ماه اوت سال ۱۹۴۵ ارتش شوروی با تار و مار کردن ارتش "کوان‌تان" که ستون فقرات نیروهای مسلح میلیتاریسم ژاپن در خاور دور را تشکیل می‌داد ، آزادی را برای مردم کره به ارمغان آورد . در اثر این پیروزی که تأثیری اساسی در برآمد مبارزه آزادیبخش ملی کره برجای گذاشت ، مردم کره فرصت عملی احیاء ملی کشور و تحقق بخشیدن به آرزوی خود مبنی بر داشتن یک کشور مستقل و دموکراتیک را بدست آوردند .

کیم‌ایل‌سونگ از نقش آزادی‌بخش نیروهای مسلح شوروی در کره با احترام عمیق یاد کرده و چنین می‌گوید :

بدون اتحاد شوروی ، فرزندکبیر انقلاب اکثریت و بدون پیروزی تاریخی آن بر فاشیسم و میلیتاریسم ژاپن ، کره همچنان در چنگال‌های ستم استعماری ژاپن قرار گرفته بود و ما کشور مستقلی متعلق به خودمان ، یعنی جمهوری دموکراتیک خلق کره

را نمی‌داشتیم و به چنین دستاوردهای عظیمی در ساختن دمکراسی که پایه‌های حاکمیت ما را تحکیم نموده است نائل نمی‌آمدم .

انقلاب کره پس از آزادی کور در شمال ، آنجا که نیروهای شوروی مستقر بودند و امکان آزادانه بیان خواست‌های مردم کره و کسب قدرت به وسیله زحمتکشان را تضمین کرده بود ، به پیروزی رسید . ارتش شوروی بنا به تقاضای کره می‌بیرون خروج همزمان نیروهای خارجی از کره در سال ۱۹۴۸ نیروهای خود را بیرون برد اما در جنوب وضع به شکل دیگری بود و آمریکا به منظور تجزیه کره دست به توطئه‌چینی زد که نتایج آن تاکنون با استقرار حکومت وابسته به خود آشکار است .

مردم کره از کمک انترناسیونالیستی اتحاد جماهیر شوروی در ساختمان جامعه خود که در اثر جنگ دچار ویرانی وحشتناکی شده بود برخوردار شدند . مردم شوروی علیرغم مشکل بزرگ احیاء اقتصاد ویرانه از جنگ خود به سوی مردم کره دست یاری دراز کردند . قطارهای حامل ابزار ، ماشین‌آلات ، سوخت ، مواد خام ، اغذیه و غیره از اتحاد شوروی به کره شمالی فرستاده می‌شدند . کیم‌یل‌سونگ فدائارانه مردم کره و حمایت بیدریغ اتحاد شوروی به میوه نشست و از همان سال ۱۹۴۸ اقتصاد ویران کره شمالی در مجموع احیاء گردید .

پس از اعلام جمهوری دمکراتیک خلق ( ۱۹۴۸ ) اتحاد شوروی اولین کشور بود که جمهوری را به رسمیت شناخت و با آن رابطه سیاسی برقرار نمود . کره شمالی بلافاصله با سایر کشورهای سوسیالیستی نیز روابط دیپلماتیک برقرار نمود .

در مارس ۱۹۴۹ موافقت‌نامه‌ای در زمینه همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی و همچنین موافقت‌نامه‌هایی در زمینه‌های بازرگانی ، پرداخت‌ها ، اعتبارات و کمک‌های فنی بین کره شمالی و اتحاد شوروی به امضاء رسید . این قرارداد که

نخستین قرارداد عادلانه متقابلاً و سودمند در تاریخ کره بود ، امکانات گسترده‌ای برای رشد اقتصادی و فرهنگی جمهوری جوان پدید آورد .

اتحاد شوروی در مقابل با جنگ تجاوزگرانه آمریکا در ژوئن ۱۹۵۰ نیز به یاری مردم کره شمالی شتافت و در عرصه‌های گوناگون از بذل یاری در پیچ نوزید از جمله می‌توان به کمک‌های اتحاد شوروی به کره شمالی در سالیهای پس از جنگ جان صدها هزار نفر را گرفت و میلیون‌ها نفر بی‌پناه برجای گذاشت ، برای تولد دوباره صنعت و حمل و نقل و ساختن هزاران خانه ، مدرسه ، مرکز فرهنگی و غیره کوشش عظیمی لازم بود ، اشاره نمود . اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی با اعطاء کمک بلاعوض به میزان ۷۵۰ میلیون روبل به یاری مردم کره شتافتند . متخصصین اتحاد شوروی سایر کشورهای سوسیالیستی بدون وقفه در امر ساختمان پروژه‌های صنعتی و سایر پروژه‌ها در کنار مردم زحمتکش کره شمالی به فعالیت برخاستند . کمک‌های اتحاد شوروی در سالیهای پس از جنگ امکان احیاء یاری و یا احداث بیش از ۱۰۰ پروژه صنعتی و سایر پروژه‌ها را که ستون فقرات صنایع مدرن سوسیالیستی کره هستند ، فراهم نمود .

هم‌اکنون اتحاد شوروی در اجرای موافقت‌نامه‌ای که در سال ۱۹۷۶ به امضاء دو کشور رسیده با کمک‌های وسیع تکنیکی خود در جهت ساختمان و یا بازسازی ۱۵ پروژه صنعتی به جمهوری دمکراتیک خلق کره یاری می‌رساند . به عنوان مثال کار افزایش گنجایش نیروگاه حرارتی "پاک‌چونگ" که قبلاً با همکاری شوروی ساخته شده از ۱۲۰۰ به ۱۶۰۰ مگاوات در جریان است و یا یک نیروگاه حرارتی با گنجایش ۱۵۰ مگاوات در "چونگ‌ژین" در دست ساختمان است و گنجایش صنایع فولاد "کیم‌چاک" به ۲۴۰۰/۰۰۰ تن فولاد بقیه در صفحه ۱۹

### قطعنامه کنفرانس جبهه پایداری : استفاده از

### تمام امکانات برای مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم

کنفرانس "جبهه پایداری" با شرکت جمهوری دموکراتیک خلق یمن، سوریه، لیبی، الجزایر و سازمان آزادیبخش فلسطین اخیراً در لیبی تشکیل شد. در پایان این جلسه قطعنامه‌ای پیرامون اوضاع منطقه مبتنی بر پشتیبانی از تمامی جنبش‌های رهایی‌بخش و مبارزه قاطع علیه امپریالیسم و صهیونیسم صادر گشت.

در زیر قسمت‌های مهم این قطعنامه را ملاحظه می‌کنید:

کنفرانس گام‌های کفیی جدیدی را که ایالات متحده در معاهده خود با دشمن اسرائیلی در پی دیدار بگین، تروریسم معروف از واشنگتن به آن دست زده است، مورد بحث و گفتگو قرار داد. واضح است که هدف از این تحول استراتژیک خطرناک در منطقه اهداف زیرین را دربر دارد:

- ۱ - از بین بردن مسئله فلسطین، رسمی نمودن اشغال فلسطین و زمین‌های دیگر اعراب، تقویت و تثبیت دولت صهیونیستی و خنثی نمودن هر برنامه‌ای جهت استقرار یک صلح عادلانه در منطقه.
- ۲ - تسلط کامل آمریکا و اسرائیل از نظر نظامی، سیاسی و اقتصادی بر منطقه و تهدید موجودیت ملی امت عرب به نابودی.
- ۳ - تبدیل منطقه عربی بصورت پایگاه آمریکایی جهت مقابله با همه نیروهای مترقی و آزادیبخش در جهان به‌ویژه در آسیا و آفریقا.
- ۴ - تبدیل نمودن منطقه عربی به یک پایگاه و تکیه‌گاه آمریکایی، که این هم سبب برخورد با اتحاد جماهیر شوروی و هم باعث تهدید صلح جهانی و امنیت بین‌المللی می‌شود.

در نتیجه این روابط کفیی جدید بین ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی، اعراب در موقعیت رویارویی در هنگام برخورد نظامی با آمریکا قرار گرفته‌اند، که امنیت و صلح منطقه و جهان را به خطر می‌اندازد.

کنفرانس پس از بررسی این اوضاع، مواضع زیرین را اتخاذ کرد:

- ۱ - از کشورهای عربی

دعوت شده که در کنفرانس آینده سران کشورهای عربی یکسری اقدامات بازدارنده نسبت به کشورهای عربی، که با رژیم سادات و دولت صهیونیست‌ها همکاری می‌کنند اتخاذ نمایند.

- ۲ - الف - ایالات متحده آمریکا در وضع رویارویی با امت عرب بشمار آید. از کشورهای عربی دعوت می‌شود که نسبت به روابط خود با آمریکا در همه زمینه‌ها، جهت حمایت از منافع ملی اعراب تجدید نظر نمایند.
- ب - درج موضوع روابط اعراب با آمریکا در برنامه کنفرانس آینده سران کشورهای عربی جهت اتخاذ یک موضع واحد عربی.
- ج - همکاری نظامی آمریکا و اسرائیل به عنوان مساعدت آمریکا در اشغال فلسطین و دیگر زمین‌های عربی به حساب آید.
- د - وجود نیروی نظامی آمریکایی در منطقه عربی به هر نحوی که باشد، باید آن را دشمنی با امت عرب شمرد و جهت مقابله و اخراج آن عمل کرد.
- ۳ - استفاده از تمام امکانات اقتصادی، از جمله نفت و ارزهای عربی موجود در بانک‌های آمریکا، برای

مبارزه با اتحاد رژیم غاصب صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا.

- ۴ - ادامه فعالیت جهت بوجود آوردن موازنه استراتژیکی با دشمن صهیونیستی و دعوت از کشورهای عربی جهت تجدیدنظر در سیاست‌های خود که به این هدف خدمت نماید.
- ۵ - برپایی یک صلح عادلانه در منطقه، که حقوق ملی اعراب، در فلسطین و دیگر مناطق اشغالی را تأمین می‌نماید و خواهان تحقق یک موازنه نظامی در منطقه است.
- ۶ - ادامه گسترش روابط با اتحاد جماهیر شوروی و ورود در یک بحث و گفتگو با آن، جهت پیشبرد روابط کیفی با آن کشور، که بتواند موازنه‌ای در منطقه، به‌ویژه در پی اتحاد اخیر آمریکا و اسرائیل بوجود آورد.
- ۷ - پشتیبانی و کمک به لبنان به خاطر وحدت ارضی و استقلال و عربیت آن کشور که ارتباط مستقیم با امنیت ملی تمام اعراب و ملت لبنان دارد. کنفرانس همچنین موضع کامل خود را علیه تجاوز دشمن صهیونیستی علیه لبنان و ازودگاه‌های فلسطین و همچنین علیه دخالت اسرائیل در امور لبنان و... اعلام می‌دارد.
- ۸ - کنفرانس از قرارداد دوستی و همکاری بین یمن دموکراتیک و لیبی و اتیوپی اظهار خرسندی می‌کند و آن

را کمکی به مبارزات عرب علیه توطئه‌های کمپ‌دیوید می‌داند.

- ۹ - کنفرانس از مبارزه ملت فلسطین در داخل سرزمین‌های اشغالی در برابر توطئه خودمختاری فلسطین و یهودی‌نمودن قدس پشتیبانی خود را اعلام می‌نماید.
- ۱۰ - کنفرانس پشتیبانی خود را از مبارزات ملت مصر علیه رژیم سادات جهت سرنگونی این رژیم و خنثی نمودن قرارداد کمپ‌دیوید و معاهده مصر و اسرائیل اعلام می‌دارد.
- ۱۱ - کنفرانس عمل در جهت پیشبرد همکاری در تمام زمینه‌ها بین کشورهای عربی و کشورهای آفریقایی و غیرمتحد و همچنین حمایت کامل از جنبش‌های آزادیبخش در تمام آفریقا و زامبیا و صحرای غربی را اعلام می‌نماید. کنفرانس همچنین پشتیبانی خود را از کشور آنگولا در جهت مقابله با تجاوز رژیم نژادپوست جنوب آفریقا اعلام می‌نماید.
- ۱۲ - کنفرانس بر نقش کنفرانس عمومی ملت عرب در جهت مقابله با تجاوزات امپریالیسم و صهیونیسم و نژادپرستی تأکید می‌کند و کمک لازم به این کنفرانس را لازم می‌داند.
- ۱۳ - کنفرانس خواهان پیشبرد فعالیت‌های جبهه پایداری است.

### عرشه سیاست خارجی را

بقیه از صفحه ۱۸

میکروموتور بر مبنای قرارداد پایاپای ساخته می‌شوند و مراکز تعمیر دیزل لکوموتیو در حال ساختمان هستند. همچنین ارسال تجهیزات برای یک کارخانه آلومینیوم و آمونیاک انجام پذیرفته است.

تمامی حقایق فوق نمونه‌ای هستند در تایید این حکم که همکاری و دوستی و اتحاد خلق‌ها بجا اردوگاه سوسیالیستی بویژه اتحاد شوروی چگونه در خدمت تحکیم استقلال و آزادی ملت‌ها قرار دارد و تبلیغات امپریالیستی را به سادگی مفتضح می‌نمایند.

اما در مقابل بینیم مالزی که در ارتباط با امپریالیست‌ها است توانسته است گامی در راه استقلال و آزادی بردارد؟

در سال درحال افزایش است کارخانه‌های برق و مالزی عضو "آسه‌آن" پیمان اقتصادی امپریالیستی کشور مالزی یکی از کشورهای عقب‌مانده آسیاست که در اثر سیاست نزدیکی و دوستی با امپریالیست‌ها نه تنها نتوانسته گامی در راه استقلال بردارد، بلکه هم اکنون انحصارات امپریالیستی آمریکایی، انگلیسی و ژاپنی منابع و مواد خام آن را بخصوص کائوچو آن را در کنترل دارند و بازار داخلی این کشور عرصه تاخت‌وتاز بنجل‌های امپریالیستی است تحت فشار و شانتاژ امپریالیسم این کشور به

اتحادیه "آسه‌آن" پیوسته که چیزی جز یک اتحاد امپریالیستی از قبیل سنتو در منطقه جنوب‌شرقی آسیا نمی‌باشد، و علیرغم دعاوی "استقلال" آنچه در مالزی جلوه‌گرست بیشتر وابستگی است. اسلام مالزی نیز از نوع اسلام کاتر و اسلام سادات‌هاست. نه اسلام انقلابی که بدون ترس علیه امپریالیسم به نبرد برخیزد به قول حجت‌الاسلام رفسنجانی آنها "ضد مارکسیست" هستند که به کلام دقیق‌تر می‌توان گفت آنها در جبهه امپریالیسم جهانی علیه اردوگاه انقلاب موضع دارند.

حجت‌الاسلام رفسنجانی درباره نتایج دیدارش از دو کشور فوق می‌گوید:

رهبران کره شمالی می‌گفتند ما اینجا داریم به دست و پای آمریکا ضربه

می‌زنیم ولی شما در منطقه خاورمیانه دارید به قلب آمریکا تیر می‌زنید. این سخن آوای دوستی است که دست همکاری و اتحاد با انقلاب ایران بلند می‌کند. دستی که نه تنها تلاش می‌کند که بازو در بازوی انقلاب ایران جبهه ضد-امپریالیستی جهانی را تقویت نماید، بلکه پیش از این دست دوستی خلق‌های بسیاری را فشرده است. خلق‌هایی که همگام و متحد علیه امپریالیسم می‌رزمنند. رهبران کره شمالی حمایت بی‌دریغ خود را از مبارزات ضد-امپریالیستی خلق ما اعلام داشتند آنها رژیم تجاوزگر صدام را نیز محکوم ساختند و حمایت خود را از نبرد عادلانه خلق ما علیه تجاوزگران اعلام داشتند. اما رهبران مالزی چه چیزی برای گفتن دارند ما در سخنان حجت‌الاسلام رفسنجانی هرچه دقت کردیم کمتر چیزی یافتیم آنها حتی حمایت لفظی خود را از نبرد عادلانه خلق ما علیه امپریالیسم و رژیم تجاوزگر صدام اعلام نداشتند. مواضع کشورهای کره شمالی و مالزی در قبال انقلاب ایران باز دیگر نشان داد که آنچه انقلاب ما را، به دیگر انقلاب‌ها و دیگر دولت‌ها مربوط می‌سازد مضمون ضد-امپریالیستی و ترقی‌خواهانه آنها است. شناخت این واقعیت‌ها، درک این واقعیت که کره شمالی در عمل دوست و متحد اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و دولت مالزی دوست و متحد امپریالیست‌هاست، شرط زدودن شائبه‌ها و پیشداوری‌ها از سیاست خارجی جمهوری اسلامی است.

به مناسبت ۹ مهرشصتمین سالگرد شهادت حیدرعمو اوغلی رهبر حزب کمونیست ایران

## ۲۰ سال مبارزه برای تکمیل وحدت

صنوف مردم ★ انقلاب ملی باید به انقلاب اجتماعی دگرسان شود  
(حیدرخان)

در صفحه ۶

## پایندی به اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای امنیت اجتماعی را تضمین می‌کند

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی در یک مصاحبه رادیویی که صبح روز سه‌شنبه هفتم مهرماه از رادیو پخش گردید، اعلام داشتند:

"افراد وابسته به گروه‌های محارب اگر قبل از دستگیری توبه نمایند می‌توانند مانند گروه‌های غیر اسلامی فعالیت سیاسی نیز داشته باشند."

در همین رابطه نیز چندی پیش (۱۸ شهریور) آیت‌الله ربانی املشی دادستان کل کشور نیز اظهار داشتند:

"اطلاعیه ده‌ماده‌ای دادستانی انقلاب با نظر شورای عالی قضایی بوده و به قوت خود باقی است هرکس که بخواهد در این مملکت فعالیت سیاسی داشته باشد، نباید از چارچوب قانون اساسی و مقررات خارج شود. زیرا ما اجازه هرگونه فعالیت به احزاب می‌دهیم و خواهیم داد."

تاکید مجدد آقای موسوی تبریزی و آیت‌الله ربانی املشی بر اطلاعیه ده‌ماده‌ای که منطبق با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تنظیم گشته است یقیناً مورد تأیید و استقبال کلیه سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی معتقد و پشتیبان انقلاب می‌باشد.

اجرای کامل اطلاعیه ده‌ماده‌ای دادستانی که متأسفانه تاکنون آنگونه که می‌بایست تحقق نیافته است، گذشته از آنکه زمینه مناسبی برای فعالیت سیاسی سازمان‌ها و گروه‌های پشتیبان انقلاب می‌باشد و از این طریق بلاواسطه در تقویت بنیه و توان ضدامپریالیستی جمهوری اسلامی ایران موثر خواهد افتاد، همچنین موجبات انزوای گروه‌های منحرف و در خط آمریکا و خنثی نمودن تبلیغات آنان را فراهم می‌آورد. اجرای کامل این مواد همچنین حس اعتماد متقابل میان مسئولین مملکتی و توده‌های مردم و گروه‌های سیاسی را افزایش می‌دهد و تقویت می‌کند و شرایط لازم را برای گسترش حس امنیت اجتماعی

که اکنون جامعه ما بیش از هر زمان دیگری به نیازمند است فراهم می‌آورد. اگر بپذیریم که امپریالیسم آمریکا و حامیان ریز و درشت داخلی آن تمامی توان سیاسی - تبلیغاتی خود را بر تضعیف خدشه‌دار نمودن همین حس اعتماد متقابل و تضعیف و زیر سؤال بردن امنیت اجتماعی متمرکز کرده‌اند آنگاه درخواهیم یافت که پایبندی مسئولین امر به این اطلاعیه و اظهارنظرهایی که در تأیید آن نموده‌اند، تا چه اندازه می‌تواند در جهت تقویت انقلاب و بنیه مردمی و ضدامپریالیستی آن موثر باشد. ما ضمن استقبال از سخنان اخیر حجت‌الاسلام موسوی تبریزی از مسئولین امر می‌خواهیم که با توجه عمیق به وضعیت کنونی مملکتی و خطراتی که از این طریق انقلاب ما را تهدید می‌نماید هرچه سریع‌تر گام‌های عملی در جهت فعالیت آزاد و علنی سازمان‌های سیاسی و فراهم آوردن تمهیدات و شرایط لازم برای فعالیت سیاسی افراد و جریاناتی که اقدامات ملحاحانه و دشمن‌شادکن را به کنار نهاده‌اند برسد.

## بسیج توده‌ای ضامن موفقیت مبارزه بایسواد

آیا طرح بسیجی سوادآموزی پاسخگوی نیازهای انقلاب است؟

در کوبای انقلابی برای تامین آموزگاران مورد نیاز به دعوت دولت صدها هزار معلم دانشجو، دانش‌آموز و غیره از کودکی هشت ساله تا زنی صدوسی و شش ساله آمادگی خود را اعلام داشتند و این خیل عظیم که نیرو و توانشان را در اختیار انقلاب قرار داده بودند، با برنامه‌های منظم و از پیش تدوین شده تحت نظارت دولت با شعار طرح شده از طرف رهبر انقلابشان که می‌گفت: "آن که نمی‌داند بیاموزد و آن که می‌داند بیاموزاند." به حرکت درآمدند.

در صفحه ۱۶

به مناسبت شصتمین سالگرد شهادت روحانی مبارز شیخ محمد خیابانی

## خیابانی ♦ هرکس یک گام بسوی ما بردارد ده گام بسوی او بر میداریم

شهادت خیابانی تنها یکی از خیانت‌های بیشتر لیبرال‌ها نسبت به انقلاب و مردم ماست.

در صفحه ۷

اعلامیه مشترک سازمان جوانان ترقیخواه ترکیه (ایگد)

فدراسیون جوانان دمکرات عراق و سازمان جوانان توده ایران

## تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران جزئی از توطئه امپریالیسم به سرکردگی امریکای جنایتکار، برای براندازی انقلاب ایران است

سازمان جوانان ترقیخواه ترکیه، فدراسیون جوانان دمکرات عراق و سازمان جوانان حزب توده ایران در راه تحکیم پیوندهای انقلابی و انترناسیونالیستی جوانان منطقه این اعلامیه را انتشار داده‌اند.

با استقبال از مفاد این اعلامیه بر پیوندهای انترناسیونالیستی جوانان منطقه در پیکار علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و دفاع از حقوق عادلانه خلقهای منطقه تأکید می‌کنیم.

به رزم متحد سازمان جوانان ترقیخواه ترکیه، فدراسیون جوانان دمکرات عراق و سازمان جوانان توده ایران شادباش گفته و در این رزم شکوهمند برای سازمان جوانان انقلابی، دمکرات و ترقیخواه خلقهای منطقه آرزوی پیشرفت‌های بیشتری می‌کنیم.

در صفحه ۴

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر